

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



گفت و گو با استاد سید هادی خسرو شاهی درباره دوران همراهی با استاد

علامه طباطبائی در معرض تکفیر!

با حضور آیت الله صافی گلپایگانی:

دانشنامه امام حسین (ع) رونمایی شد

از تکفیر تا پذیرش

تاریخچه زندگانی "فلسفه" در حوزه های علمیه ایران

گزارش کامل بزرگداشت علامه طباطبائی

علامه طباطبائی؛ مظهر حکمت، دین، سخت کوشی و اعتدال



نکوداشت آیت الله

خسرو شاهی در

حوزه علمیه تهران



زندگینامه

رهبران

حزب الله



علی لاریجانی:

صحنه موهن پخش شده

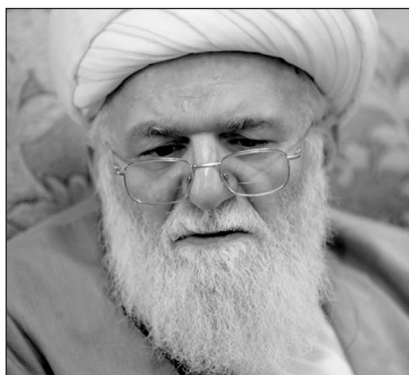
در تلویزیون مربوط به

دانشجویان نیست



آیت الله تسخیری در همایش ضرورت های همگرایی جهان اسلام:

اندونزی در وحدت و اخوت اسلامی نقش آفرین است



و دین عقلانیت و گفتگو است.

رئیس جمهور اندونزی نیز در مراسم افتتاح همایش در پیامی گفت: کشور اندونزی آماده است برای ایجاد پلی میان مسلمانان و مذاهب اسلامی با دیگر کشورهای اسلامی همکاری کند، زیرا این امر موجب می شود مسلمانان به درک متقابلی دست یابند و مشکلات و چالش های درون اسلام را حل کرده و اجازه دخالت به بیگانگان را در امور مسلمانان ندهند.

در این همایش سه روزه که از ۳۰ تا ۲۸ آذر ماه در جریان است، راه های ایجاد وحدت و تقرب بین مسلمانان، وحدت اسلامی، از بین بردن خشونت و تروریسم در بین مذاهب اسلامی و وحدت و تقرب در سیره نبوی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در همایش ضرورت های همگرایی جهان اسلام، گفت: کشور اندونزی در توسعه و تعمیق وحدت و اخوت بین مسلمانان نقش بسزایی دارد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این همایش که با قرائت پیام رئیس جمهور اندونزی و حضور جو کو سو یانتو وزیر ارشاد اندونزی و هاشم موزادی رئیس نهضت العلمای این کشور برگزار شد، دبیرکل مجمع بر عوامل انحراف از مذهب گرای به فرقه گرایی تاکید کرد.

وی توطئه چینی دشمنان امت اسلامی، منافع شخصی برخی رهبران و حکام، تکفیر، بزرگ نمایی، نیش قبر و حمله به مقدسات، بی احترامی به دیگران و تردید در نیت گفتگوکنندگان را از جمله عوامل انحراف از مذهب گرای به فرقه گرایی برشمرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: اسلام دین رحمت و محبت است و قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) بر الفت قلوب تاکید کرده اند.

وی همچنین با بیان اینکه ایران از جمله پیشروان سنت انسانی و اسلامی گفتگومی باشد، تصریح کرد: با وجود مباحث مشترک فراوان بین ادیان، اسلام دین آزادی اجتهاد، برادری، وحدت



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

فراخوان

بیست و سومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

با عنوان:

«امت اسلامی: از تنوع مذهبی تا فرقه گرایی»



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

به یاری خداوند، با افتخار به اطلاع می رساند که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بیست و سومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی را با عنوان: «امت اسلامی: از تنوع مذهبی تا فرقه گرایی» با مشارکت جمعی از نخبگان، علما و اندیشمندان جهان اسلام در سالروز ولادت با سعادت پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (ص) و نواده بزرگوار آن حضرت، امام جعفر صادق (ع) و هفته وحدت از ۱۵ تا ۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق برابر با ۱۱ تا ۱۳ اسفندماه ۱۳۸۸ هـ. ش در تهران با محورها و موضوعات زیر برگزار می نماید:

الف - حالت طبیعی امت؛ تعامل طبیعی میان مذاهب:

۱- عوامل پیدایش مذاهب گوناگون: (آزادی اجتهاد، اختلاف در مبانی، پیچیدگی روابط اجتماعی و نیاز به استنباط احکام شرعی جدید و ...)

۲- ضمانتهای تداوم تعامل طبیعی مذاهب: (ضوابط اجتهاد، تداوم روحیه برادری و وحدت، نهادهای شدن منطق گفتگوهای قرآنی، تبیین معیارهای ایمان و کفر، فسق و بدعت، گسترش پژوهشهای تطبیقی، برجسته سازی مشترکات)

۳- نتایج مثبت تعامل مذهبی: (تنوع دیدگاهها و راه کارها، پویایی اجتهاد در متن جامعه، تقویت جایگاه مسلمانان و ...)

۴- نمونه های تاریخی: (تعامل پیشوایان مذاهب با یکدیگر، تعامل علمای مذاهب در عرصه های گفتگو، تدریس، تألیف و تحشیه و ...)

ب - حالت انحرافی؛ فرقه گرایی:

۱- عوامل گرایش به فرقه گرایی: (دسیسه های دشمنان امت اسلامی، فتنه انگیزی حکومت ها و منافع تنگ نظرانه آنها، جهل و تعصب، افراط گرایی، بغی و ...)

۲- نمودها و پیامدهای فرقه گرایی: (تبدیل مذهب به دین، مصادره و انحصارگرایی حقیقت، تبدیل اختلافات فکری به برخوردهای عملی، گسترش دامنه تکفیر، تفسیق، تبذیر و ...)

۳- نمونه های تاریخی صف آرای فرقه ای.

۴- راهکارهای برون رفت از فرقه گرایی: (گسترش فرهنگ گفتگو، تسامح، تلاش در راستای تقریب مذاهب، انجام طرحهای علمی، فرهنگی و اجتماعی مشترک، پرهیز از رفتارهای تحریک آمیز، انتقال فرهنگهای تقریبی از نخبگان به امت و راهکارهای آن)

قابل توجه: مطالب ارسالی خود را در چارچوب موضوع کنفرانس و محورهای فوق الذکر، حداکثر تا تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۸۸ هجری شمسی - ۲۴ محرم ۱۴۳۱ هجری قمری به نشانی پست الکترونیکی زیر ارسال فرمایید:

Bainalmelal@yahoo.com

تلفن: ۸۸۳۲۱۶۱۸ - ۸۸۳۲۲۵۴۱

فاکس: ۸۸۳۲۱۶۱۶ - ۸۸۳۲۲۵۴۱

تذکر: لطفاً خلاصه و اصل مقاله را در برنامه word، ایمیل نمایید.

«دبیرخانه هیئت علمی کنفرانس»

جستاری در کارکردهای رسانه‌ای شبکه العربیه

العربیه یا العبریه



عربیسیم و ایران فویبسم، شبهه افکنی در مورد هلال شیعی و دخالت تهران در امور داخلی کشورهای منطقه، مساله جزایر سه گانه ایرانی، پوشش وسیع خبری گروه‌های تروریست و اپوزیسیون ایران و مساله حقوق بشر، حوادث پس از انتخابات

ریاست جمهوری دهم، منازعه دولت یمن با گروه الحوثی و آزادی سیاسی و حمایت آشکار از فعالیت‌های تروریستی اگر چه محور مشترک رسانه‌های هم طیف است، اما از سوی العربیه با اشتیاق و توجه خاصی منعکس می‌شوند.

پوشش و پخش منظم فعالیت‌های تروریستی گروهک‌ها علیه ایران از سوی گروه‌های معارض نظیر گروهک ریگی و منافقین سبب شده تا این شبکه همچون با شبکه‌های آمریکایی و اسرائیلی این اقدامات تروریستی را اقداماتی انقلابی و آزادیخواهانه توصیف کند. اگر چه العربیه در این میان همواره گوی سبقت را از دیگر رسانه‌ها ربوده و در پوشش خبری این فعالیت‌های بیشترین و بهترین زمان را اختصاص می‌دهد.

این که چرا در میان این طیف از رسانه‌ها شبکه العربیه این چنین رویکرد ایران ستیزی خود را عریان کرده و بی‌پروا علیه جغرافیای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران خیز رسانه‌ای برداشته، هم قابل تامل است. در واقع ریشه رویکرد ضد ایرانی العربیه توجهات سیاسی صرف ندارد. منشأ چنین اقدامات خصمانه‌ای در رویکردهای ایدئولوژیکی عربستان سعودی قابل جستجو است. موضوعی که تلویحا مقامات سعودی هم آن را می‌پذیرند.

یکی از مقامات عربستان بتازگی گفته که جمعیت شیعیان در جهان اسلام حدود ۱۰ درصد است بنابراین نقش شیعیان هم باید به همین مقدار باشد، اما سنی‌ها ۹۰ درصد هستند.

از این دیدگاه العربیه بیشتر تابع جناح حاکم و افراطی عربستان سعودی بر پایه توجیهات مذهبی و اعتقادی است. جناحی که شاهزاده طلال و شاهزاده بندر آن را رویکرد ایدئولوژیکی بخشیده‌اند، در بیشتر موارد با سعود فیصل و ملک فهد که رویکرد استراتژیکی دارد، تفاوت‌های بارزی دارد. با این همه العربیه که تحریریه آن در اختیار طیف افراطی سعودی‌هاست و روابطی پیدا و پنهان با مخالفان و معارضان جمهوری اسلامی دارد جنگ روانی و رسانه‌ای خود را در سرفصل‌های سیاست و امنیت تبیین کرده است تا از این طریق به زعم مدیران آن بتواند حوزه چالش و تنش را با کشورهای عرب سنی و سنتی منطقه وسعت بخشد.

این راهبری هم توأمان یک فرار رو به جلو از سوی ریاض است تا با انداختن توپ به زمین تهران نگاه‌های انتقادی و اعتراضی را از جغرافیای نابسامان نظام و بی‌سامان سیاسی و اجتماعی عربستان سعودی منحرف کند. دیپلماسی رسانه‌ای انحراف افکار عمومی عموماً به واسطه ساختارهای بی پایه و بنیان سعودی‌هاست. ساختار سیاسی عربستان یک نظام پادشاهی موروثی و بسته است که اجازه هیچ نوع فعالیت سیاسی به غیر خودی‌ها نمی‌دهد. فعالیت احزاب در این حکومت پادشاهی ممنوع است و اجازه هیچ نوع فعالیت سیاسی و اجتماعی به زنان داده

گروه رسانه‌ای MBC که با حمایت و پشتیبانی شاهزاده طلال و شاهزاده بندر از سرمایه‌داران خاندان سعودی راه‌اندازی شد، ابتدای امر بیشتر رویکردی سرگرم‌کننده داشت، اما با اضافه شدن MBC ۱ و بعدها العربیه رویکردی خبری و تحلیلی به خود گرفت. رویکردی که بر انحراف افکار عمومی از فقدان مشروعیت سیاسی ممالک پادشاهی توتالیتری و نیمه توتالیتری عرب منطقه خصوصاً عربستان سعودی از سویی و از سوی دیگر کشاندن هجمه رسانه‌ای و تبلیغی علیه گفت‌وگو تمدنی و شیعی ایرانی استوار است.

جسارت MBC در مقابله آشکار با شیعه و پیروی آشکار از وهابی و سلفی تا جایی بود که مدیران این شبکه در رمضان گذشته، قصد داشتند سریال موهن للخطایا ثمن را که با هدف اهانت به احکام شرعی تشیع ساخته شده بود، در مجموعه شبکه‌های ماهواره‌ای خود پخش کنند، اما با اعتراض گسترده شیعیان منطقه آن را توقیف کردند.

حسن فحص، مدیر دفتر شبکه العربیه در تهران در این باره اذعان می‌کند که بیش مالکان شبکه العربیه در حدودی که منافع کشور عربستان سعودی در خطر باشد، نمایان می‌شود. به عنوان نمونه ایران در منطقه خاورمیانه نقش فعالی ایفا می‌کند و در عراق، لبنان و فلسطین نفوذ زیادی پیدا کرده است، اما عربستان سعودی در این کشورها نفوذ چندانی ندارد. بنابراین در رسانه‌های خود از جمله شبکه العربیه به ایران حمله می‌کند.

فحص در ادامه اعتراف می‌کند زمانی که عربستان سعودی توان مقابله با ایران را در میدان عمل نداشته باشد، از هر وسیله‌ای برای تضعیف نفوذ این کشور که یکی از آنها شبکه العربیه است، استفاده می‌کند.

ایران ستیزی عریان

هم مرزی العربیه با دیگر رسانه‌های همفکر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نقطه تلاقی ای را ایجاد کرده که همانا به ایجاد و احیای پروپاگاندای رسانه‌ای جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران ختم می‌شود. جستجوی کوتاه در آرشیوهای خبری، گزارشی و تحلیلی ۳ سال اخیر العربیه گویای این مساله است. مساله‌ای که در دیگر رسانه‌های این طیف هم قابل رصد است با این تفاوت که العربیه در این دامنه ۳ ساله با یک نمودار مداوم از تحریف به تهدید خبری حرکت کرده است.

هم مرزی العربیه با دیگر رسانه‌های همفکر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نقطه تلاقی ای را ایجاد کرده که همانا به احیای جنگ رسانه‌ای و روانی علیه جمهوری اسلامی ایران ختم می‌شود دامنه این حرکت رسانه‌ای هم با اضافه شدن عبدالرحمن راشد به تحریریه العربیه در سمت مدیرعاملی تشدید شده است. بیوگرافی راشد چه زمانی که در بوستون به تحصیل مشغول بود و چه زمانی که سردبیر روزنامه الشرق الاوسط بود، گویای این مساله است.

مانیفست جنگ روانی العربیه علیه جمهوری اسلامی ایران که با عنوان "ستیز عریان" از آن نام برده می‌شود ماتریسی وسیع از جغرافیای تهران را در بر می‌گیرد.

مخالفت با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، احیای تفکرات پان

جام جم آنلاین: در هفته‌ها و ماه‌های اخیر درحالی شاهد قطع برنامه شبکه العالم از سوی ۲ ماهواره نایل ست و عرب‌ست بودیم که رقیب خبری این شبکه یعنی العربیه همچنان در قامت تمام قد یک مهاجم رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران بی هیچ ممانعتی مشغول به فعالیت است. فعالیتی که پس از جولای ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۰۹ تنها رسانه‌ای نیست.

شبکه خبری العربیه اگر چه رسانه‌ای است که ابتدا در رقابت با حریف عربی دیگرش یعنی شبکه الجزیره تاسیس شد، اما از همان زمان رسالت رسانه‌ای اش عیان بود. رسالتی که در طول ۶ سال اخیر در ادامه دیپلماسی عمومی دولت عربستان سعودی تبیین و ترسیم می‌شود. این رسانه که از سال ۲۰۰۳ فعالیت تلویزیونی خود را آغاز کرده است، هنوز درصد ناچیزی از افکار عمومی جهان عرب را تحت پوشش دارد. در حالی که شبکه العالم که از سال ۲۰۰۵ فعالیت خود را آغاز کرده دارای بیشترین تعداد مخاطب است.

العربیه یکی از اعضای خانواده رسانه‌ای MBC است. العربیه از سوی طیف تندرو شاهزادگان سعودی پشتیبانی سیاسی و حمایت مالی می‌شود و خط مشی این رسانه با نگاه طیفی از شاهزادگان ریاض انطباق دارد که هنوز ترویج ایدئولوژی سلفی گری و وهابی‌گری را در جهان اسلام دنبال می‌کنند. این طیف از شاهزادگان سعودی توسط شاهزاده بندر بن سلطان هدایت می‌شوند. شاهزاده بندر از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ سفیر عربستان در آمریکا بود و مقارن بودن سفارت وی با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با ابهامات و ابهاماتی همراه بود که هیچ گاه نتیجه آن سوالات مشخص نشد. با این همه وی اکنون ریاست شورای امنیت عربستان را به عهده دارد. این طیف از شاهزادگان سعودی روابط نزدیکی هم با نئوکان‌های آمریکایی دارند. بر این مبنا ارزیابی می‌شود که تکنیک‌ها و تاکتیک‌های خبری العربیه به نوعی وامداری از شبکه فاکس نیز است. این مرز مشترک که در بازه‌ای وسیع از رسانه‌های فرمانطقه‌ای تعریف می‌شود، در جایی به نام ستیزه جویی با ایران و جنبش مقاومت اسلامی به هم می‌رسد.

زایش و پیدایش العربیه

غول چند رسانه‌ای MBC مرکز خبررسانی خاورمیانه فعالیت‌های خود را از سال ۱۹۹۱ آغاز کرد و در ژانویه ۲۰۰۲ با آغاز به کار تلویزیون MBC ۲ به عنوان اولین تلویزیون ۲۴ ساعته مجانی پخش‌کننده فیلم‌های سینمایی در خاورمیانه به شهرت رسید.

پس از موفقیت MBC ۲ این مجموعه به فاصله تقریباً کمی اقدام به تاسیس ۳ شبکه دیگر به نام‌های MBC ۳، MBC و MBC Action کرد که به پخش سریال و برنامه‌های کودکان می‌پردازند. گروه MBC از ژوئیه ۲۰۰۸ با اضافه کردن MBC Persia عضو جدید این خانواده به غول رسانه‌ای عربی منطقه تبدیل شده است. مقر اصلی این شرکت در مدیا سیتی دوی قرار دارد و با بیش از ۱۰۰۰ کارمند در سرتاسر جهان مشغول به فعالیت است.

در پی موفقیت بخش‌های خبری، مدیران آن به این فکر افتادند تا برای اعمال نفوذ بیشتر یک شبکه مستقل خبری تاسیس کنند. از این رو در سال ۲۰۰۳، تلویزیون ۲۴ ساعته العربیه تاسیس شد.

نمی‌شود. مضاف بر این که آزادی‌های مذهبی در این کشور نادیده گرفته می‌شود و اقلیت شیعیان با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. شبکه العالم که تنها مدافع هجمه وسیع رسانه‌ای العربیه است گزارش داده که عربستان سعودی برای گسترش وهابیت در ۳۰ سال گذشته مبلغ ۸۶ میلیارد دلار به

الازهر کمک کرده است.

از سوی دیگر این رسانه‌ها تنها رسالت رسانه‌ای انتقاد از دیگران را اجرایی می‌کنند و در این میان اثری از خود انتقادی نیست، به طوری که العربیه به هیچ وجه به مسائل داخلی عربستان نمی‌پردازد و هیچ گاه هم به نقد سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه یا منطقه روی نمی‌آورد. دکتر ومضای الرشید در مقاله‌ای در روزنامه

القدس العربی می‌نویسد: جامعه عربستان به یک جامعه ضعیف تبدیل شده که درگیری‌های داخلی قدرت آن را فرسوده کرده است. به حدی که قدرت خود را درباره ترسیم آینده خویش از دست داده و تسلیم استبداد شده است. حکومت نظر خود را از بالا تحمیل و از شکاف و دودستگی داخلی در جامعه سوءاستفاده و از شکل‌گیری جبهه داخلی به زیان قدرت استبدادی جلوگیری می‌کند.

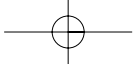
با این حال شبکه العربیه به طور متناوب هر شب برنامه خبری و تحلیلی را با موضوع احمدی‌نژاد پخش می‌کند. برنامه‌ای که تنها در تهدید رسانه‌ای و تحریف گفته‌های مقامات تهران خلاصه نمی‌شود. اگر چه این روند پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران تشدید شده است، اما شیطنت‌ها و شرارت‌های رسانه‌ای العربیه هماهنگ با الشرق الاوسط از زمان جنگ اسرائیل علیه لبنان در جولای سال ۲۰۰۶ کلید خورد.

حمایت ایران از حزب‌الله لبنان که به زعم عربستان مزاحم نفوذ بعضی از کشورهای منطقه خلیج فارس در مقابل کشورهای مورد حمایت ایران است و آنچه باعث تقویت نفوذ ایران و لبنان و کاهش نفوذ کشورهای عربی در این کشور شد را دلایل عمده این خصومت رسانه‌ای می‌دانند؛ خصوصتی که این روزها با تک و پاتک‌های مداوم العالم در مقابل العربیه تشدید شده است.

تقابل با مانیفست مقاومت

چنان که اشاره شد، هجمه رسانه‌ای العربیه علیه ایران از جولای ۲۰۰۶ وسیع‌تر شد. شکست هیمنه نظامی و امنیتی رژیم اسرائیل در مواجهه با حزب‌الله لبنان چنان رویای سازش را برای اعراب و منطقه آشفته کرد که از آن زمان نسبت به ایران و جبهه و گروه‌های مقاومت نظیر حماس و حزب‌الله کینه‌ای دیرینه یافته‌اند.

شواهد مختلفی که توسط حماس ارائه شد، نشان می‌دهد که در شرایط دشواری که مردم بی‌پناه غزه از زمین و هوا مورد هجوم گسترده ارتش رژیم اسرائیل قرارداشتند، شبکه العربیه به عنوان ستون پنجم برای اسرائیل عمل می‌کرد. ستون



اقتصاد

پنجمی که موقعیت نیروهای مقاومت را به اسرائیلی‌ها گزارش می‌داد. همین مساله هم باعث دستگیری و اخراج خبرنگار العربیه از غزه شد. برخی منابع عربی نیز از خبرنگاران العربیه در مناطق مختلف خاورمیانه به عنوان جاسوسان اسرائیلی در پوشش خبری نام می‌برند.

دبیرکل جنبش آزادگان فلسطین در این باره می‌گوید: شبکه العربیه نه تنها امروز، بلکه در جنگ ۳۳ روزه لبنان و حمله رژیم صهیونیستی به غزه در جنگ ۲۲ روزه هم نقشی ناسالم به عهده داشت.

به گفته خالد ابوהלал، در زمان حمله ارتش رژیم صهیونیستی به غزه، شبکه العربیه نقش مکمل نظامیان این رژیم در میدان نبرد را عهده‌دار بود و با گزارش‌های مسموم خود نه فقط از سیاست‌ها و بهانه‌های این رژیم در حمله به غزه حمایت می‌کرد، بلکه با انتشار اخبار غلط و شایعه پراکنی، سعی در شکستن عزم و اراده ملت فلسطین داشت.

ابوهلال ادامه می‌دهد: العربیه در صدر رسانه‌هایی قرار دارد که به دنبال نابودی فرهنگ مقاومت در جهان عرب بویژه لبنان و فلسطین هستند.

علی زعیتر، معاون فرهنگی حزب الله لبنان در تهران نیز با تایید گفته‌های ابوהלال می‌گوید: العربیه از جمله رسانه‌های کشورهای عربی است که حامی رژیم غاصب صهیونیستی و دشمن مقاومت مردم فلسطین است، چرا که این رسانه متأسفانه به نهادهایی وابسته است که همواره در جبهه رژیم اسرائیل و حامیانش حرکت می‌کند و هیچ تعصب و اعتقادی به مقاومت مردم مظلوم فلسطین در دفاع از آب و خاک سرزمینی خود ندارد.

نگرانی و نزاع عمده العربیه با مانیفست مقاومت به جای سازش، عمده جهتگیری رسانه‌ای العربیه را شکل می‌دهد. واقعیت این است که فلسفه وجودی شبکه العربیه تقابل رسانه‌ای با افزایش نرخ نفوذ و ضریب عمق

سیاسی - خبری

راهبردی ایران در جغرافیای گفتمانی مقاومت عربی و اسلامی است. گفتمانی که با گذار از طرح‌های بی‌بنیان صلح عربی چاره‌آوازی ملت فلسطین را نه در سازش‌های پنهانی، که در مقاومت برای احقاق حقوق حقه خود می‌داند.

همچنان که عدنان حطیط، نویسنده و تحلیلگر سیاسی لبنانی با تاکید بر این که رویکردها و عملکرد برخی رسانه‌های عربی هیچ ارتباطی به کار حرفه‌ای رسانه‌ای ندارد، بر این باور است که برخی رسانه‌های عربی بویژه شبکه‌های ماهواره‌ای در چارچوب جنگی روانی علیه نیروهای مقاومت و حامیان آنها و برای خدمت به منافع و برنامه‌های رژیم صهیونیستی، ایجاد تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران و بعضی کشورهای عربی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

حطیط ادامه می‌دهد: العربیه برای تغییر ذهنیت مخاطبانش نسبت به فلسفه مقاومت به هر ترفند و اقدام ناجوانمردانه‌ای از جمله دروغ پردازی متوسل می‌شود.

العربیه برای تغییر ذهنیت مخاطبانش نسبت به فلسفه مقاومت به هر ترفند و اقدام ناجوانمردانه ایاز جمله دروغ پردازی متوسل می‌شود

گفته‌های حطیط و بازخوانی عملکرد چند ماه اخیر العربیه نشان می‌دهد عملکرد این شبکه جغرافیای جنبش مقاومت را مورد هجمه خود قرار داده است؛ جغرافیایی که از فلسطین و لبنان آغاز شده و به یمن ختم می‌شود. پذیرش این دیدگاه هم مخاطب را به چرایی و چیستی تمرکز شبکه العربیه بر این ادعا که ایران در امور داخلی یمن دخالت می‌کند، می‌رساند.

بیقراری العربیه برای ارتباط دادن ایران در نابسامانی‌های کشورهای منطقه با استنادهای غیرواقعی و مجعول در حالی در عراق و افغانستان با بن بست مواجه شد که علی ناصر محمد، رئیس‌جمهور وقت منطقه یمن جنوبی نیز چند روز پیش تاکید کرد که ایران هیچ گونه حمایتی از گروه الحوثی یا نظایر آن نکرده است.

شبکه‌ای با کارکردهای چندگانه

تقابل رسانه‌ای که حسن فحص از آن نام می‌برد، تنها یکی از موارد راهبردهای مقابله جویانه رسانه‌ای عربستان در مواجهه با ایران در قالب شبکه العربیه است. مقابله آشکار با اسلام شیعی و ترویج و تبلیغ وهابی‌گری و سلفی‌گری و مواضع این شبکه در جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران را می‌توان در میان شبکه‌های منطقه بی‌مانند و هماهنگ با شبکه‌های BBC، EURO NEWS،VOA،CNN، SKY NEWS و FRANCE ۲۴ قرار داد.

تمرکز خاص روی تحولات پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم ایران از دستورکارهای العربیه است که با وجوداخراج خبرنگار این شبکه در تهران تاکنون هم ادامه دارد.

اما اینها تنها رویکردهای سیاسی و امنیتی العربیه است. رویکرد مذهبی و اعتقادی این شبکه هم با توهین و تکفیر مراجع شیعی، مراجع عظام تقلید بخصوص مراجع حوزه‌های نجف که روابط نزدیکی با حوزه علمیه قم دارند، رویکرد اسلامی دولت عراق و جمهوری اسلامی ایران به همراه پخش فیلم‌ها و مستندهایی نظیر ۴،۳۰۰ پر، دومینو و امام خون تکمیل می‌شود.

تلفیق سیاست با رسانه و مذهب

در برهه کنونی و در دوران پس از جنگ سرد کشورها با تقویت کانال‌های ارتباطی با افکار عمومی در راستای اعتبار بخشی و اعتبار یابی سیاسی با توده‌های مردمی هستند. یکی از این کانال‌های ارتباطی رسانه‌های ارتباط جمعی هستند.

رسانه‌هایی که با مدیریت افکار عمومی از راه‌های تزییق و ارائه اطلاعات نظام‌مند و قانون‌مند در ادامه دیپلماسی عمومی در پی کسب اهداف و ایده آل‌های کشور مطبوع خویش هستند.

این پروسه مدت‌هاست در کانون‌های منطقه‌ای متعددی کلید خورده است. در منطقه خاورمیانه هم که به واسطه موقعیت ژئوپلتیکی و

نیمه اول دی ماه ــ شماره ۱۸ ــ ۳

ژئواستراتژیکی‌اش کانونی برای رقابت‌ها و تقابل‌های رسانه‌ای است، حوزه خلیج فارس به نقطه تلاقی و ممیزی ایران و اعراب منتهی می‌شود که عرصه‌ای تعیین‌کننده است.

جمهوری اسلامی ایران در این میان با داشتن مولفه‌های قدرت سنتی به یک قدرت تاثیرگذار منطقه‌ای با اعمال نرخ نفوذ بالا دست یافته است. بر این مبنا و با عطف به تنگناهای عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعراب منطقه عرصه جنگ روانی در قالب رسانه‌ها یکی از حوزه‌های تقابل با این قدرت تاثیرگذار است.

عربستان سعودی که به مانند دیگر کشورهای عرب منطقه دارای بیشترین ضریب خفگی دموکراتیک است به پیشاهنگ هجمه رسانه‌ای علیه ایران تبدیل شده است. تقابلی که عربستان با ۸شبکه و بسیج کردن بیش از ۲۵شبکه عربی دیگر به مبارزه با تنها ۵شبکه ایرانی برخاسته است. البته سردمداری این جبهه پیشاهنگ را شبکه العربیه نمایندگی می‌کند؛ العربیه‌ای که تنها شبکه‌العالم را در قامت یک مدافع برابر خود می‌بیند.

دفاع منطقی و حرفه‌ای العالم در مواجهه با العربیه در حالی است که العربیه هیچ تعهد هنجاری به مقوله خبررسانی و اطلاع‌رسانی ندارد. تلفیق و پیوند نابهنجار سیاست و مذهب با رسانه از سوی العربیه سبب شده تا این شبکه هیچ مرزی را برای خود تعریف نکرده و بی‌پروا تمام حدود و حیطه‌های حرفه‌ای و خبری را آماج تهدیدها و توهین‌های عیان خود کند.

بازخوانی جهتگیری‌های چند ماه اخیر این شبکه بخصوص پس از تحولات انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران، تنها می‌تواند تلنگری بر دستگاه دیپلماسی و رسانه‌ای کشور باشد. تلنگری که ماه‌ها پیش از سوی سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان نواخته شد؛ زمانی که وی با برشمردن رویکردها و راهبردهای شبکه العربیه پیشنهاد داد تا نام آن به العبریه تغییر یابد.

ارسلان مرشدی

رییس دیانت ترکیه بر تلاش

برای تقریب مذاهب

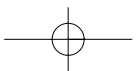
اسلامی تاکید کرد

علی بارداک اوغلو رییس سازمان امور دیانت ترکیه در گفت وگو با خبرنگار ایرنا در آنکارا، ضمن تاکید بر تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی، دیدگاه‌های خود پیرامون مسایل جهان اسلام و اعتقادات اسلامی را تشریح کرد.

بارداک اوغلو با اشاره به این که مذاهب مختلف واقعیت‌های جهان اسلامی هستند، گفت: باید به تمامی مذاهب اسلامی احترام گذاشته شود، چرا که از نظر پیروان هر مذهبی محترم است، ولی باید برای نزدیکی مذاهب و از میان بردن اختلافات و برجسته کردن نقاط مشترک آنان تلاش کرد.

وی گفت: تلاش برای نزدیکی مذاهب به یکدیگر را نباید به معنای ایجاد یک مذهب جدید تلقی کرد، هر مذهبی، قابل احترام و دارای دیدگاه‌های خاصی است.

به گفته بارداک اوغلو، نزدیکی مذاهب به یکدیگر و تلاش برای رفع برخی موارد مورد اختلاف موجب نزدیکی جهان اسلام خواهد شد.



از تکفیر تا پذیرش

تاریخچه زندگانی "فلسفه" در حوزه‌های علمیه ایران

دعوت حاکم شیراز به زادگاه خود باز گشت. او در شیراز دوباره تدریس فلسفه را در مدرسه خان آغاز کرد و این گونه بود که حوزه درسی شیراز رونق گرفت. ملاصدرا دو شاگرد سرشناس داشت که به واسطه قرابت بسیار با استاد، عاقبت هر دو دامادش شدند: عبدالرزاق بن علی لاهیجی، مشهور به فیاض لاهیجی و ملا محمد محسن فیض کاشانی. لاهیجی به قم آمد و تا پایان عمر در حوزه قم به تدریس فلسفه پرداخت. کتاب گوهر مراد^۱ وی هنوز هم در حوزه‌های علمیه مورد استناد است. نظریه فلسفی صدررا در باب اصالت وجود، پس از وی وجه غالب نگرش فلسفی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود، ملاهادی سبزواری از دیگر شخصیت‌های فلسفی این دوره به شمار می‌رود.

در دوره معاصر، حوزه مشهد شاهد حضور فیلسوفان مشهوری همچون شیخ‌هاشم قزوینی و شیخ مجتبی قزوینی، سید جلال‌الدین آشتیانی و محمد رضا حکیمی بوده است. محمدرضا حکیمی



مباحثه فلاسفه و عرفا

محمدجواد حسن زاده: آنچه را فلاسفه قصد دانستن آن را دارند، عرفا قصد دیدنش را می‌کنند. بنابر اعتقاد عارف؛ آنچه به وسیله استدلال و برهان ثابت شود یقینی نیست، چون ممکن است دلیل و برهانی دیگر آن را از هستی خویش ساقط کرده و آدمی را به وادی شک و تردید کشانند. در ملاقات بین ابن‌سینا و ابوسعید ابو‌الخیر نیز اشاره به همین فرق بین عالم (فیلسوف) و صوفی (عارف) شده است: ^۱یک روز شیخ ما ابوسعید در نیشابور مجلس می‌گفت: خواجه ابوعلی سینا رحمت الله علیه از در خانقاه شیخ در آمد، و ایشان هر دو پیش از آن یکدیگر را ندیده بودند... خواجه بوعلی با شیخ در خانه شد و در خانه فراز کردند و سه شبانه روز با یکدیگر بودند و به خلوت سخن می‌گفتند که کس ندانست و هیچ کس نیز نزدیک در نیامد... شاگردان از خواجه بوعلی پرسیدند که شیخ را چگونه یافتی؟ گفت هر چه را من می‌دانم او می‌بیند و متصوفه و مریدان از شیخ چون به نزدیک شیخ رسیدند سوال کردند که ای شیخ بوعلی را چون یافتی؟ گفت هر چه ما می‌بینیم او می‌داند.^۲ (اسرار التوحید/ص ۱۵۹) فرق اساسی بین فلاسفه و عرفا در روش آنهاست. فلسفه از راه استدلال جلو می‌رود و در نتیجه تکیه فیلسوف به عقل خویش است. اما عرفان هم طریقه معرفتی است که تکیه بر ذوق و اشراق دارد و هم طریقت عملی است که متکی به زهد و ریاضت و بی‌توجهی به جهان برون و فرو رفتن در عالم درون است. بنابراین معرفت عارفانه از طریق عقل نیست بلکه از طریق تجربه درونی است. این نوعی از معرفت را غزالی مکاشفت یا علم باطن می‌نامد و آن ^۳علم صدیقین و مقربین یعنی علم المکاشفه است.^۴ (احیاء العلوم ج ۱ ص ۱۸) در بعد نظری یک تفاوت عمده در بین است؛ عرفا قائل به وحدت موجود و واقعیتند و این از طرف قاطبه فلاسفه مورد تردید و انکار واقع شده است. وحدت موجود یا وحدت شخصی وجود به این معنی است که حقیقتاً یک موجود بیشتر وجود ندارد و آن خداوند تبارک و تعالی است و این کثرات مظاهر و تجلیات خداوندند و در حقیقت کثرتی در عالم وجود ندارد. عقیده وحدت شخصی وجود یا وحدت واقعیت، به آن صورت که توسط محی‌الدین ابن عربی و دیگر عرفا بیان شده است؛ نه عقیده همه خدایی است و نه چنانچه ماسینیون می‌پنداشت، همه در خدایی. بلکه به معنی آن است که معتقد بودن به هر نوع حقیقتی، مستقل و جدا از حقیقت مطلق (خداوند) افتادن در گناه شرک است. شیخ محی‌الدین ابن عربی نخستین کسی است که تعالی مطلق خداوند را نسبت به هریک از مقولات و از جمله جوهر را اظهار داشته است. شهرستانی و عبدالقادر گیلانی نیز به وحدت واقعیت و موجود قائل بوده‌اند. از دیگر عارفان می‌توان به عطار و حلاج اشاره کرد. عارفان با جهد و ریاضت بسیار تلاش می‌کنند تا از این مظاهر و تجلیات فراتر روند و به مقام فنا برسند. تا جایی که ثمره این ریاضت و جهد اتحادی است که گاهی باعث به زبان آوردن جملاتی می‌شود که در ظاهر کفر و الحاد به نظر می‌رسند. از این رو، فیلسوفان و متکلمان؛ نه به شدت فقها و مردم با عارفان مخالفت می‌کردند؛ مثلاً ملاصدرا در جایی به صراحت این مخالفت را ابراز کرده است.

فلسفه و حکمت در ایران از زمان پیش از اسلام رواج داشت. از همین روی پس از اسلام و با رواج علوم اسلامی، ایرانیان به سرعت با دانش معقولات خوگرفتند. ابوعلی سینا در قرن چهارم هجری کتاب شفا در موضوع فلسفه و منطق را تألیف کرد که ادامه دهنده راه فارابی بود. زندگی ابن سینا بیش از آن که دستخوش بحث‌های حوزوی باشد، گرفتار تغییرات سیاسی شد. او برای دوره‌ای نسبتاً طولانی در همدان زیست، پس از آن به اصفهان کوچ کرد و بعد از اصفهان دوباره به همدان بازگشت و در آنجا از دنیا رفت. حدود یک قرن بعد شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۷۸.ق)پایه عرصه گیتی گذاشت که پایه‌گذار مکتب فلسفی اشراق بود. شیخ اشراق در مکتب فلسفی خود به عقل اعتقاد داشت، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی‌دانست. سهروردی ذهن جوانی داشت و از همین رو در مناظره‌ها پیروز می‌شد. همین مساله و برخی معتقدات وی که با آنچه عالمان وقت می‌گفتند یکی نبودباعث شدند سرانجام مخالفان سهروردی جوان، به دستور علمای حلب به حاکم وقت فشار آوردند و او که به حمایت آنها نیاز داشت دستور داد سهروردی را به زندان ببندازند. سرانجام فیلسوف جوان در ۳۸ سالگی در زندان جان سپرد. اگر چه سهروردی عمر زیادی نکرد اما مکتب شیخ اشراق پس از مرگش گسترش یافت. معروف ترین کتاب شیخ "حکمت الاشراق" است. پس از سهروردی، نوبت به درخشش خواجه نصیرالدین توسی دیگر فیلسوف شیعه رسید. وی سنت فلسفه مشائی را که پس از ابن سینا در ایران رو به افول گذاشته بود، بار دیگر احیا کرد. وی مجموعه آرا و دیدگاه‌های کلامی شیعه را در کتاب تجرید الاعتقاد گرد آورد. خواجه نصیر روش بوعلی را ادامه داد و شرح اشارات بوعلی را نگاشت. قطب‌الدین شیرازی از شاگردان خواجه نصیر بود که راه او را ادامه داد.

با ظهور صفویه نیاز بیشتر به حوزه‌های علمیه و عالمان برای پایه‌گذاری یک مکتب فکری جدید حس می‌شد. صفویان مدارس علمیه را رونق دادند و از عالمان جبل عامل که جزو فقه‌های سرشناس جهان اسلام به‌شمار می‌رفتند دعوت کردند تا به ایران مهاجرت کنند. شیخ بهایی در این دوره به همراه پدر به ایران مهاجرت کرد. وی تأثیر بسزایی در رونق بخشیدن به حوزه علمیه اصفهان داشت. شیخ از جمله عالمان فیلسوف در این دوره به شمار می‌رود. دیگر عالم بزرگی که در این دوره به اصفهان آمد و شد داشت، محقق کرکی بود. نوه دختری محقق کرکی، میر برهان‌الدین محمدباقر استرآبادی معروف به میرداماد از عالمان سرشناس فلسفه اسلامی شد. جایگاه میرداماد در فلسفه به گونه‌ای است که به معلم ثالث معروف است. میرداماد به همراه شیخ بهایی حوزه فلسفی اصفهان را رونق بخشیدند. در چنین شرایطی بود که ملاصدرا پرورش یافت.

صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی معروف به ملاصدرا یا صدرالمتألهین از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان اسلام است. ملاصدرا از محضر درس شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی که او هم از عالمان سرشناس فلسفه اسلامی است استفاده کرد. صدرا ی شیرازی پس از کسب درجه اجتهاد به تدریس پرداخت اما نظرات او با گذشتگان تفاوت داشت و از همین رو با مخالفت‌های برخی فقیهان اصفهان روبه‌رو شد. این گونه بود که صدرا از اصفهان تبعید شد. وی حدود پنج تا هفت سال در منطقه کهک در نزدیکی قم ساکن بود. اگر چه سعی کرد به حوزه قم برود ولی به واسطه افکار فلسفی وی، او را از این حوزه اخراج کردند. اما بخت یار صدرا شد و وی به

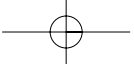
میرداماد، شیخ بهایی و ملاصدرا شیرازی در این شهر است.

آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، از تحصیلکردگان این حوزه، در خاطرات خود چنین می‌نویسد: تفاوتی که میان حوزه علمیه اصفهان و مشهد وجود داشت، این بود که در مشهد، فلسفه، درسی ممنوع و متروک به حساب می‌آمد؛ در حالی که در اصفهان، مورد توجه و اقبال بود.^۵ آخوند ملامحمد کاشی از اساتید مرز فلسفه در حوزه اصفهان محسوب می‌شد. وی از محضر درس آقا محمدرضا حکیم قمشه‌ای که او نیز از فیلسوفان بزرگ اصفهان محسوب می‌شد، استفاده کرد. معروف است که وقتی وی به تهران رفت، بازار درس میرزا ابوالحسن جلوه که تخصصش در تدریس فلسفه ابن سینا بود، کم‌رونق شد. حاج آقا رحیم ارباب نیز از دیگر اساتید بزرگ فلسفه در حوزه اصفهان به‌شمار می‌رود. دو حوزه اصلی فکری شیعه در ایران یعنی حوزه قم و تهران از جهت فلسفی مدیون حوزه اصفهان هستند.

حوزه قم پس از مهاجرت ملاصدرا به نزدیکی این شهر روند آشتی با فلسفه را آغاز کرد و حوزه تهران پس از مهاجرت ملاعبدالله زنوزی. طبیعت پایتخت بودن تهران اقتضا می‌کند که این شهر خیلی سریع تر از دیگر شهرهای کشور در معرض افکار نو قرار بگیرد. با ظهور اندیشه‌های غربی و نگاه دین زدا، فیلسوفان و متفکران اسلامی به تکاپو افتادند تا پاسخ شبهات جدید فکری را بدهند. به تقاضای محمدحسین خان مروی، حکیم نوری، ملاعبدالله زنوزی را به تهران فرستاد تا با تدریس فلسفه اسلامی بتواند نیاز فکری زمان خود را پاسخگو باشد.

پسر ملا عبدالله درباره داستان مهاجرت پدرش به تهران چنین می‌نویسد: پس از آنکه مرحوم حاجی محمد حسین خان مروی در دارالخلافه تهران مدرسه مروی را عمارت کرد و به اتمام رسانید، از خاقان خلد آشیان استدعا کرد که مرحوم ملا علی نوری را از اصفهان به تهران احضار نماید تا در آن مدرسه تدریس فرمایند. پس از ابلاغ احضار، مرحوم ملاعلی نوری در جواب نوشت که در اصفهان قریب به دو هزار طلاب مشغول تحصیل هستند که چهارصد نفر - بلکه متجاوز - که شایسته حضور مجلس درس این دعاگو هستند به مجلس درس دعاکو حاضر می‌شوند. چنانچه در تهران بیاید موجب پریشانی این همه طلاب علم خواهد شد. پس از رسیدن جواب، مرحوم خان مروی استدعا کرد که مجددا امر صادر و فرمایش شود که یکی از تلامیذ خود را که لایق دانند روانه دارالخلاقه کنند که ملاعبدالله مدرس زنوزی به تهران آمدند و مکتب تهران تاسیس شده تداوم یافت.^۶

آقا محمد رضا حکیم قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس، از دیگر اساتید بنام و مشهور فلسفه و حکمت حوزه تهران به شمار می‌رفتند. پس از این اساتید، شاگردان آنها مکتب فلسفه تهران را زنده نگه داشتند که از جمله آنها می‌توان به میرزا هاشم اشکوری رشتی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا شهاب‌الدین نیریزی شیرازی، میرزا علی اکبر حکمی یزدی قمی، حاج شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد هیدجی زنجان‌ی اشاره کرد. اما در گذر زمان اساتید دیگری نیز مطرح شدند. اساتیدی همچون آیت‌الله میرزا محمد علی شاه‌آبادی، آیت‌الله شیخ محمد تقی آملی، آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی، آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، آقا شیخ محمد حسین فاضل تونی، سید محمد کاظم عصار، علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، علامه میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و علامه محمد تقی جعفری. در مکتب قم، پس از



و در همان سال تدریس خود را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، به آرامی وضعیت جدیدی برای حوزه‌های علمیه رقم خورد. امام‌خمينی(ره) اکنون در مقام یک رهبر سیاسی قرار گرفته بود. وضعیت فلسفه نیز در حوزه قم به آرامی تغییر کرد. کتاب‌هایی که علامه طباطبایی در فلسفه تألیف کرده بود جزو برنامه معمول درسی حوزه قرار گرفت و دیگر خبری از مخالفت با فلسفه در قم نیست. مخالفان و موافقان فلسفه این روزها دیگر به گفت‌وگو می‌انديشند و از همین روست که منادیان مکتب تفکیک و مخالفان فلسفه، نظریات خود را در قم هم تدریس می‌کنند. روندی که امروز در حوزه‌های علمیه شاهد آن هستیم این است که فلسفه اسلامی به عنوان یک واقعیت علمی پذیرفته شده است. این روزها اگر چه آیت‌الله حسن زاده آملی که یکی از فیلسوفان و عرفای قم محسوب می‌شود به دلیل کهولت سن دیگر رغبتی به تدریس ندارد اما آیت‌الله جوادی آملی هنوز تفسیر قرآن تدریس می‌کند و در تفسیر خود نگاه فلسفی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

سید مرتضی ابطحي
تهران امروز

حوزه قم داشت و برای همین هدف دو کتاب بُدایه الحکمه و نهایه الحکمه را در علم فلسفه برای طلاب نوشت. علامه طباطبایی یکی از مروجان قرآن نیز بود. از همین روی، وی تفسیر المیزان را نوشت. علامه در این تفسیر علاوه بر بحث‌های روایی و تاریخی، مسائل فلسفی را نیز مورد توجه قرار داده است. علامه طباطبایی از شبهات روز نیز غافل نبود. وی کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را نگاشت و در آن فلسفه مارکسیسم را به چالش کشید. اما تدریس فلسفه علامه نیز با مخالفت جدی در قم روبه‌رو شد. آیت‌الله بروجردی شخصا وارد عمل شد و با تدریس فلسفه مخالفت کرد. او از سویی عدم فایده فلسفه برای تمام طلبه‌ها را دلیل این مخالفت بیان می‌کرد و از سوی دیگر فشارهایی که از مشهد به وی می‌آوردند را مطرح می‌کرد. مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله راستی کاشانی و آیت‌الله خزرعلی در این مخالفت‌ها نقش‌های کلیدی داشتند. در پی این مخالفت‌ها، آیت‌الله مطهری، از اساتید فلسفه هم به تهران مهاجرت کرد. استاد مطهری در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانی‌های تحقیقی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط شهید مطهری تشکیل شد

وقتی کار بالا گرفت، از ایشان درخواست شد که درس فقه و اصول بفرمایند و از آن به بعد درس فقه و اصول ایشان رونق بسیاری یافت. روش تدریس فلسفه حضرت امام هم به این صورت بود که ابتدا بحثی را از خارج شروع و بعد با متن اسفار مقابله می‌فرمودند. اما تدریس فلسفه امام‌خمينی(ره) در قم وضعیت سختی را برای ایشان به وجود آورده بود. آن گونه که آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی از شاگردان ایشان روایت می‌کند: " زمانی که در قم درس فلسفه می‌خواندم هیچ‌کس را به اندازه امام عالم به مسائل فلسفی و عرفانی نمی‌دیدم. همین نقطه قوت ایشان را به نقطه ضعف تبدیل کرده بودند. خشک مقدس‌هایی ایشان را حتی گاهی تکفیر می‌کردند. چیزهای عجیبی که امام را خشمگین می‌کرد که البته من خودم این را مستقل نشنیدم یعنی لیوانی که حاج آقا مصطفی در آن آب می‌خورد را می‌شستند (یعنی نجس می‌دانستند)، تا این حد با امام بد رفتاری می‌کردند."

با تعطیلی درس فلسفه امام، دعوها بر سر اندیشه‌های فلسفی عرفانی وی فروکش کرد و به درس فلسفه علامه طباطبایی منتقل شد. آیت‌الله سیدمحمد حسین طباطبایی که از اساتید سرشناس فلسفه در قم بود، عزم جزمی برای احیای فلسفه در

ورود مجتهد بزرگ آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری به قم، امام خمینی(ره)، آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری و آیت‌الله سیداحمد خوانساری از وی فلسفه و حکمت آموختند. امام‌خمينی(ره) که از مدت‌ها قبل از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم به تدریس فلسفه و عرفان مشغول بود، پس از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم به تقاضای شاگردان خویش به تدریس خارج فقه مشغول شد و دیگر نتوانست به فلسفه بازگردد.

آیت‌الله سید عزالدین زنجانی از مراجع فعلی در مشهد می‌گوید: "هنگامی که حضرت امام به قم تشریف آوردند، مرحوم والد که با حضرت امام آشنایی و رابطه دوستی داشت به من توصیه کرد که از وجود شریف این شخصیت والا مقام بهره بگیرم. من خدمت ایشان رفتم و عرض کردم که اگر می‌شود برای ما (من و استاد شهید مطهری و دو، سه نفر دیگر) درس فلسفه بگذارید. ایشان (امام) فرمودند که من کتاب‌هایم را هنوز با خودم نیاورده‌ام. من در جواب ایشان عرض کردم که من کتاب اسفار دارم، از روی این کتاب تدریس فرمایید. از آن به بعد حضرت امام به تدریس درس فلسفه پرداختند و کم‌کم فضایی زیادی به پای درس آن حضرت نشستند و از ایشان بهره‌ها بردند.

رشد فلسفه دین نیازمند نگاهی جامع‌الاطراف است

معرفت دینی چه علمی دینی چه فلسفه دین می‌خواهند مطالعه کنند به اصطلاح باید دو فرهنگی باشند.

وی افزود: باید با دین و علوم دینی کلاسیک آشنا باشند، فلسفه اسلامی فقه اسلامی، تاریخ اسلامی و تفسیر اسلامی بدانند و هم به مسائل روز جامعه‌شناسی دینی و روانشناسی دینی که مطرح است آشنا باشند و لذا تنها به یکی اکتفا نکنند. بنابراین علم تطبیقی امروزه یک رشته میان رشته ای است حقوق تطبیقی، ادبیات تطبیقی، مطالعه ادیان تطبیقی، فلسفه تطبیقی بنابراین یکی از آن فلسفه تطبیقی فلسفه دین می‌شود.

قلمروی فلسفه دین و جامعه‌شناسی دین و طرح این مسائل در کتابهای فلسفه دینی که بیشتر نوشته شده بودند مطرح بوده است. وی همچنین در مورد موانع رشد فلسفه دین در ایران گفت: فلسفه دین رشته جدیدی است و همچنین برخی علوم دقیق دینی در عصر جدید که دانشمندان علوم دینی، دین را از آن منظر مورد مطالعه قرار می‌دهند. مثلاً روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین، فلسفه دین، رابطه دین با علوم اجتماعی این رشته‌های یکسری علوم جدیدالاحداث هستند و کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده و لذا کسانی که به این مسائل در قلمرو این

الهیات در تهران و اصفهان و همچنین در حوزه‌های علمیه کتابهای زیادی در این زمینه تألیف و ترجمه شد. تقفی در پاسخ به این سؤال که کدام یک از موضوعات فلسفه دین را در موقعیت فعلی برای منظومه فرهنگی کشورمان مؤثرتر می‌دانید؟ گفت: بالاخره فلسفه دین وقتی مطرح است یکسری مسائل کلامی مطرح می‌شود که عمدتاً بخشی درباره هستی‌شناسی است مثلاً مسئله شر در جهان، بخشی در رابطه هستی‌شناسی انسان جبر و اختیار مطرح است و بخشی هم از مذهب در رابطه با پلورالیزم دینی یا سکولاریسم که مسائلی است در

خبرنگار مهر در مورد رشد فلسفه دین در ایران اظهار داشت: گاهی دو عامل باعث رشد هستند، یکی پشتیبانی عده ای از نخبگان و صاحب نفوذان جامعه از یک نظریه است، مثلاً در مورد پروتستان در غرب شازده‌ها و اعیان از نظریه پروتستانیزم پشتیبانی کردند. بنابراین فلسفه دین هم در دوره ای از طرف گروهی از نخبگان و روشنفکران دینی مورد حمایت قرار گرفت.

استاد جامعه‌شناسی دین دانشگاه آزاد تصریح کرد: این مسئله در مسائل علمی و دانشگاهها قرار گرفت به خصوص دانشکده علوم فلسفی و



محمد تقفی فلسفه دین را رشته جدیدی عنوان کرد و گفت: رشد فلسفه دین نیازمند نگاهی جامع‌الاطراف است و اگر قرار باشد تک بعدی به مسئله پرداخته شود، نتیجه مطلوب نخواهد بود. دکتر سیدمحمد تقفی در گفتگو با

کنگره بین المللی آیت الله جوادی آملی برگزار شود



علمیه از وجود ایشان آن‌طور که می‌باید استفاده نکرده است، گرچه هزاران نفر از خرمن وجود ایشان در بحث‌های مختلف استفاده کرده‌اند، اما چنین شخصیتی باید بیش از این به جامعه دینی و انقلابی ایران و هم به جوامع دیگر معرفی شود.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قدردانی از شخصیت حضرت آیت‌الله جوادی آملی را استفاده از فیوضات علمی ایشان دانست و گفت: بهترین قدردانی از عالم، فرهیخته و وجود ارزشمندی مانند حضرت آیت‌الله جوادی آملی استفاده از آثار گرانبها، برکات علمی و دانش ایشان در سطح جامعه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری اضافه کرد: حضور طولانی حضرت آیت‌الله جوادی آملی در عرصه نماز جمعه، سخنرانی‌های علمی، متقن و قابل استفاده‌ای که از ایشان منتشر شده، همه گویا و بیانگر آن است که ایشان در میان نخبگان و فرزندگان جامعه، علما، مراجع و شخصیت‌های علمی آن هم علمی جهان اسلام شخصیتی ممتاز و کم‌نظیر هستند. وی ابراز داشت: هنوز حوزه

چهره بارز اسلام‌شناس و جامع در ابعاد فقهی، فلسفی و تفسیری مطرح هستند و در چهره و قامت یک شخصیت اخلاقی ظاهر می‌شوند. امام جمعه قم با بیان این‌که حضرت آیت‌الله جوادی آملی سالیان متمادی در حوزه علمیه قم منشأ خیرات و برکات بوده‌اند، تصریح کرد: ایشان شاگرد برجسته علامه طباطبایی(ره) هستند و خود با تدریس فلسفه، تفسیر، فقه و با تألیفات گرانهایی که در عرصه‌های مختلف دارند خدمات فراوانی به جهان اسلام ارائه کرده‌اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری اضافه کرد: حضور طولانی حضرت آیت‌الله جوادی آملی در عرصه نماز جمعه، سخنرانی‌های علمی، متقن و قابل استفاده‌ای که از ایشان منتشر شده، همه گویا و بیانگر آن است که ایشان در میان نخبگان و فرزندگان جامعه، علما، مراجع و شخصیت‌های علمی آن هم علمی جهان اسلام شخصیتی ممتاز و کم‌نظیر هستند. وی ابراز داشت: هنوز حوزه

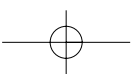
عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خواستار تجلیل از شخصیت اخلاقی و علمی حضرت آیت‌الله جوادی آملی شد و گفت: با توجه به آثار و خدمات بزرگ علمی که حضرت آیت‌الله جوادی آملی به جهان اسلام و تشیع ارائه کرده‌اند، مناسب است کنگره بین‌المللی در رابطه با شخصیت ایشان برگزار شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم در گفت‌وگو با رسا با اشاره به نقش مؤثر حضرت آیت‌الله جوادی آملی در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران گفت: چهره و شخصیت حضرت آیت‌الله جوادی آملی نه تنها در حوزه علمیه قم بلکه یک شخصیت اسلامی و به عنوان یکی از متفکران و اندیشمندان جهان اسلام شناخته شده است.

وی افزود: حضرت آیت‌الله جوادی آملی هم در بُعد فلسفی و هم در بُعد تفسیر صاحب‌نظرند، به عنوان

مجموعه "تفسیر قرآن" امام موسی صدر به زودی منتشر می‌شود

انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، مجموعه‌ای از مباحث تفسیری امام موسی صدر را با نام تفسیر قرآن منتشر خواهد کرد. به گزارش روابط عمومی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، این مجموعه شامل پنج کتاب است که برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه شده و منتشر خواهد شد. تأملی دیگر در قرآن و تفسیر، تفسیر سوره اخلاص، تفسیر سوره ناس و فلق، تفسیر سوره قدر و تفسیر سوره تکاثر، عناوین این مجموعه تفسیری است که مهدی فرخیان و علیرضا محمودی آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. در سخن‌ناشر درباره این مجموعه می‌خوانیم: امام موسی صدر از جمله متفکرانی است که می‌توان گفت شناخت مخصوص به خود از اسلام را دارد. او با همین شناخت از اسلام بود که پا به لبنان نهاد و منشأ تحولات دامنه‌دار شگرفی در میان اهالی آن دیار، خصوصاً شیعیان شد. بنابراین، دریافت و تفسیر او از قرآن برای واکاوی اندیشه‌های امام موسی صدر و حتی نقد آن اندیشه‌ها اهمیت بسزایی دارد. مجموعه تفسیر قرآن برگزیده‌ای از مباحث تفسیری امام موسی صدر در دو کتاب تفسیری ایشان به زبان عربی است. مجموعه تفسیرهای امام موسی صدر، غیر از آن‌چه به صورت پراکنده در میان دیگر آثار ایشان درج شده، شامل دو کتاب است. یکی از این کتاب‌ها دربردارنده سور قصار و دیگری شامل آیاتی منتخب از قرآن است. این مجموعه، با ۳۰۰۰ نسخه شمارگان و قیمت هر جلد ۸۰۰۰ ریال، به زودی منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.



باحضور آیت الله صافی گلپایگانی:

دانشنامه امام حسین (ع) رونمایی شد

با اشاره به ویژگی های این دانشنامه گفت: یکی از ویژگی های آن برداشتن گام متواضعانه و با ظرفیت برای بازنگری در زندگی آن حضرت به صورت جامع و کامل است. وی کاربردی بودن متن و تحلیل آن را از دیگر ویژگی های این مجموعه دانست و تصریح کرد: این دانشنامه در این ویژگی با دانش نامه امیرالمومنین (ع) مشترک است.

ری شهری اظهار داشت: دانشنامه مذکور مانند سایر منابع مربوط به آن حضرت به این سبک و سیاق نیست که در آن فقط یکسری متون و اسناد و همچنین گزارش ها و تحلیل ها در کنار هم قرار گرفته باشند، بلکه علاوه بر اینها تلاش شده است تا به واقعیت ها و نیازهای جهان امروز نیز به صورت کامل پرداخته شود.

تدوین دانشنامه امام حسین (ع) بیش از ۱۰ سال طول کشیده و در آن علاوه بر قرآن و منابع و متون حدیثی و تاریخی، از بسیاری از تحقیقات جدید و پژوهش های نوین نیز بهره برده شده است. این دانشنامه در ۱۵ بخش اصلی و ۱۳۸ فصل همراه با ترجمه فارسی تدوین شده است. از ویژگی های این اثر می توان به زندگی، شخصیت و قیام امام حسین (ع) بر اساس آیات، روایات و متون تاریخی معتبر، ارائه حدود ۴۰۰ بیان و تحلیل در باره موضوعات مرتبط، پاسخ به شبهات و نمایاندن تحریفات و همچنین ترسیم پنج نقشه ابتکاری خط سیر کاروان حسینی (ع) اشاره کرد.

همچنین این مجموعه ۴۱۹۱ نقل در ۶۶۱۲ صفحه به دو زبان فارسی - عربی را دربر دارد.

قرارداشته باشد، افزودند: کتاب و سنت محور تمامی کارها و اقدام های یک جامعه اسلامی است و باید حوزه های علمیه هم این دو اصل مهم را محور فعالیت های خود قرار دهند.

این مرجع تقلید با تمجید از تنظیم و تدوین کنندگان دانشنامه امام حسین (ع) افزودند: کسانی که برای شناساندن پیام های بی مانند عاشورا تلاش می کنند، از اجر و پاداش مضاعفی نزد پروردگار متعال برخوردارند.

آیت الله صافی با تقدیر از محققان و دست اندرکاران تدوین دانشنامه امام حسین (ع) افزودند: این دانشنامه تلاشی مقدس در راه ارائه پیام، سیره و نهضت عظیم عاشورا است و اولین افتخار برای پژوهشگران این است که خود با فضائل امام حسین (ع) آشنا شدند.

دانشنامه ۱۴ جلدی امام حسین (ع) برپایه آیات قرآن و حدیث تالیف آیت الله محمدی ری شهری که با همکاری سید محمود طباطبایی نژاد و سیدروح الله سید طبایی، ترجمه عبدالهادی مسعودی، مهدی مهریزی و محمد مرادی در قطع وزیری به دو زبان عربی - فارسی چاپ شده است،

دراین مراسم رییس موسسه دارالحديث بابیان اینکه زندگی امام حسین (ع) در میان پیشوایان دینی از ویژگی های خاص و منحصر به فردی برخوردار است، افزود: مطالعه زندگی و شرح حال آن حضرت بهترین و کاملترین مرجعی است که امت اسلامی می توانند درس های بسیار اخلاقی، سیاسی و اجتماعی از آن بیاموزند.

حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری

اشخاص جامعه از باسوادترین تا افرادی که از نظر علمی درسطح پایینی هستند، امکان کسب فیض و بهره گیری از آن را دارند.

این مرجع تقلید با بیان اینکه در تمامی دوره های تاریخ پس

ازواقعه غم انگیز محرم سال ۶۱ هجری، علما و مورخان دینی کوشیدند تا پیام واقعی آن حادثه با عظمت را به نسلهای بعد انتقال دهند، افزودند: با این حال هنوز آنچنانکه باید و شاید پیام های کامل و دقیقی از عاشورا دریافت نشده است.

ایشان با تاکید بر تحقیق و تفحص عالمانه بویژه درحوزه های علمیه دراین خصوص گفتند: هرچقدر در زمینه دریافت رسالت اصلی واقعه عاشورا تحقیق و کار پژوهشی انجام شود، بازهم کم است.

آیت الله صافی با اشاره به اهمیت فراوان و ضرورت معرفی علوم و احادیث اهل بیت (ع) به جهانیان تصریح کردند: دردنیای امروز با توجه به استقبال قابل توجهی که از معارف امامان شیعه می شود، باید هرچه بیشتراین معارف ارزشمند و گرانسنگ را به طالبان واقعی و حقیقی آن در سراسر عرصه پهناور گیتی ارزانی داشت.

ایشان با توصیه به حوزه های علمیه مبنی براینکه حرکت آنها بیشتر در مسیر قرآن و سنت



قم - خبرنگار اطلاعات: دانشنامه امام حسین (ع) با حضور مرجع عالیقدر آیت الله صافی گلپایگانی و دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی درمراسمی درتالار اجتماعات موسسه علمی، فرهنگی "دارالحديث" قم رونمایی شد.

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی دراین مراسم در سخنانی گفتند: ترویج و گسترش هر چه بیشتر فرهنگ غنی عاشورا، توطئه ها و تهاجم فرهنگی دشمنان را بی اثر می کند.

ایشان افزودند: به برکت ایام محرم همه ترفندهایی که دشمنان اسلام و انقلاب برای دستیابی به اهداف پلیدشان کشیده اند، آشکار خواهد شد.

این مرجع تقلید با اشاره به محتوا و غنای فراوان مکتب عاشورا به آموزگاری حضرت سید الشهدا (ع) تصریح کردند: این مکتب انسانساز و تعالی بخش یگانه مکتبی است که در آن همه دانش ها و علوم یافت می شود و همه

علی لاریجانی:

صحنه موهن پخش شده در تلویزیون مربوط به دانشجویان نیست



از نفوذ ایران معنا پیدا می کند که این غوغاها برای ملت رشید ایران به هیچ نیارزد. وی تصریح کرد: اما لازم است بدانند که حرکت های مودیان آنان در بحث هسته ای در نهادهای بین المللی کاملاً تحت رصد است و نمی توانند اغراض خود را در لفاظیه مسائل دیگر پنهان کنند و ظاهراً نمی خواهند ایران در چارچوب آژانس به فعالیت هسته ای خود ادامه دهد.

رئیس مجلس گفت: مطمئن باشید دیگر مجال برای نظریات فریب کارانه از نسخ معاوضه مواد و این امور نخواهد بود و ملت ایران دامنه سخنان و پیشنهادات دروغین شما را دریافته و اجازه نمی دهد با منافع ملی آنان بازی شود و به موقع با حضور در صحنه با صلابت پاسخ شما را خواهند داد.

شنبه به ویژه در حوزه علمیه قم یادآور حضور آگاهی بخش آنان در ادوار گذشته انقلاب بود که جرقه بیداری ملت شد. کسی تردید ندارد قشر فرهیخته به چنین رفتار سخیفی روی نمی آوردند.

رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اظهارات اخیر مقامات آمریکایی درباره مسائل داخلی ایران تاکید کرد: جایزه نوبل آنقدر ارزشی نداشت که این همه حرف بی حساب نسبت به ایران به زبان جاری کنید، آن هم در میان غوغای لفظی این ماه ها که سخن از تغییر سیاست ها می گفتید و برخی ساده لوحان نیز مردود شده بودند.

ایران، حرکت های مودیان آمریکا را رصد می کند

رئیس قوه مقننه در ادامه یادآور شد: در کمتر از یکسال با آزمون های مختلف سیاست ها دروغ ایالات متحده عیان شد از یک طرف نامه نگاری مقامات آمریکا برای مذاکره، از طرف دیگر دشمن در دهه ساخت ها و در دهه فرصت ها.

لاریجانی با اشاره به اظهار نظرهای مقامات آمریکایی افزود: این تغییر در سیاست ها نیست بلکه فرصت طلایی در مناسبت هاست. سخنان سبک اخیر آقای اوباما در مسائل داخلی ایران و نیز سخنان وزیر خارجه آنان در متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم در قیافه وحشت زده آنان

شنبه ملت هشدارهایی هم دربرداشت. اولاً گفته می شود آن صحنه موهن که در تلویزیون منعکس گردید مربوط به دانشجویان نمی شود. وی ادامه داد: کسی تردید ندارد که قشر فرهیخته دانشگاهی هر ایده ای که داشته باشند به چنین رفتار سخیفی روی نمی آوردند.

لاریجانی با انتقاد از بی توجهی برخی سیاسیون به قانون اظهار کرد: سخن در این است که وقتی فضای سیاسی جامعه را غبارآلود کردید و در مقام ها و پیام های خود معیارها و حدود قانون اساسی را محترم نشماردید و به راحتی از راهنمایی های دلسوزانه رهبر معظم انقلاب عبور کردید مجال برای عده ای فراهم می کنید که ریشه ها و هویت ها را به مسخره گیرند.

وی تصریح کرد: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نقطه هدف تیراندازی سیاسی دشمن اصل ولایت فقیه بود اساس مبارزه آمریکا و عوامل داخلی آنها نظیر منافقین و بنی صدر، لیبرال ها و گروههای ضد انقلاب در مایوس کردن مردم، حرکت به سوی تخریب جایگاه ولایت فقیه بود.

رئیس مجلس با انتقاد از دوستان دیروز انقلاب اضافه کرد: ستیز آنان با قطب انقلاب اسلامی برای فرزندان انقلاب تازگی ندارد اما تعجب در این است که دوستان دیروز انقلاب چرا هوشیار نمی شوند.

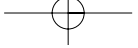
وی ادامه داد: قیام غیرتمندانه ملت در روز

در حالی که در روزهای گذشته رسانه های تندرو تلاش می کردند عاملان توهین به امام (ره) را از دانشجویان حامی میرحسین موسوی معرفی کنند، رئیس مجلس تصویر منتشر شده در تلویزیون را موهن دانست و گفت: "صحنه موهن پخش شده در تلویزیون مربوط به دانشجویان نمی شود."

به گزارش ایلنا علی لاریجانی در سخنان خود در جلسه علنی مجلس گفت: امروز ملت ایران قبل از فرارسیدن محرم و گریستن بر مظلومیت امام حسین (ع) به خاطر مظلومیت امام حسین (ع) به خاطر مظلومیت امام (ره) عزادار گردید.

توهین به امام و پاسخ روشنفکرانه روحانیت
وی افزود: اهانت ناجوانمردانه به نماد صلابت و بیداری مسلمانان در عصر حاضر نماد استقلال ملت ایران نماد عزتمندی مسلمانان در مقابل استکبار قلب همه امت را جریحه دار نمود. لاریجانی با اشاره به موضع گیری های مراجع و حوزه ها تاکید کرد: باز هم مراجع و علمای حوزه ها به خصوص حوزه علمیه قم نقش روشنفکرانه خویش را ایفا کردند و روز شنبه مردم و روحانیت در هدف واحد اراده جمعی جامعه را در حمایت از هویت انقلاب اسلامی و در آرمان های امام قدس (ره) و رهبر معظم انقلاب نشان دادند.

رئیس قوه مقننه تصریح کرد: حرکت ملی



نکوداشت آیت الله خسروشاهی در حوزه علمیه تهران

همایش تجلیل از خدمات علمی حضرت آیت الله سیدابراهیم خسروشاهی، در حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام با حضور جمعی از اساتید برجسته علوم دینی و طلاب حوزه‌های علمیه تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی ستاد نکوداشت پیشکسوتان حوزه علمیه تهران در این مراسم ابتدا حجت‌الاسلام حسینی نیشابوری دبیر این همایش با اشاره به این‌که سلسله نکوداشت‌های قدردانی از تلاش‌های علمی پیشکسوتان حوزه علمیه تهران ادامه خواهد داشت، گفت: یکی از ضرورت‌های قدردانی از پیشکسوتان علم و تقوا، معرفی الگوهای زنده به نسل جوان است.

در ادامه این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به این‌که فعالیت‌ها در حوزه اخلاق کم است، گفت: نکوداشت آیت الله خسروشاهی به دلایل مختلف از جمله جهادهای علمی و عملی ایشان و حساسیتشان به مسایل ارزشی، انقلابی، دینی، اخلاقی برگزار می‌شود.

وی افزود: اهتمام به عمل این استاد گرانقدر، نه‌تنها در مقام تدریس، که در مقام اخلاق نیز بارز و آشکار است. آیت الله خسروشاهی مردی است که هم در حوزه به تربیت می‌پردازد و هم محضرش، محضر تربیت نفوس است و هر چند کهولت سن دارد در میان جوانان نیز به دلیل معاشرت‌های دلپذیرش، محبوب است.

رئیس حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام تهران در ادامه تصریح کرد: آیت الله خسروشاهی به دلیل حضوری که در بین توده‌های مردم دارد، علیه مسایل مختلف ضدارزش و ناهنجاری‌های جامعه‌بی‌صبرانه و باصراحت‌اعلام موضع می‌کند و به همین دلیل تصمیم گرفته شد تا از ایشان به‌عنوان نخستین استاد و پیشکسوت حوزه‌های علمیه تهران، طی مراسمی قدردانی کنیم.

وی گفت: در حال حاضر فقهای ما افزون بر ۵۰هزار فرع فقهی استخراج کرده‌اند. ما در بحث علم فقهی دایرة‌المعارف‌های عظیم و گسترده پدیده آورده‌ایم و در فقه کار بسیار کرده‌ایم و چندین مجتهد فقهی داریم، ولی در حوزه اخلاق کم کار کرده‌ایم، به‌طوری که در حوزه و دانشگاه، رشته‌های اخلاق را تدریس نمی‌کنیم و با آن‌که مجتهدان و مراجع عظام ما همگی اخلاقی‌اند، اما خلاء بحث‌هایی مانند فلسفه اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق ارزشی و اخلاق حرفه‌ای در جامعه ما احساس می‌شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، بر ضرورت ایجاد پارلمان اخلاق در کشور تاکید کرد و افزود: آیا اخلاق نباید به اندازه فقه و قانون مورد احترام باشد؟ اخلاق علم است اما ما این نکته حساس را باور نداریم و حاصل این عدم باور، بروز بسیاری از معضلات کنونی کشور است. حال که در کشور ما قانون و الزامات اسلامی‌اند، بنابراین علم و اخلاق نیز باید اسلامی باشد. برپایه این گزارش در ادامه مراسم نکوداشت آیه‌الله خسروشاهی حجت‌الاسلام والمسلمین حبیبی از شاگردان این عالم ربانی گفت: به‌واسطه نسبت خانوادگی بیش از ۴۰سال در محضر ایشان کسب فیض کرده‌ام. آیت‌الله خسروشاهی در هر دو بعد علمی و عملی جهاد حضوری پر تلاش داشته و در عرصه علم و عمل از نمونه‌های بارز عصر حاضر است.

وی ادامه داد: شاخص‌ترین وجه زندگی آیت الله خسروشاهی عمل به دو سفارش بزرگ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. مهم‌ترین سفارش رسول گرامی اسلام پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که آیت الله خسروشاهی همیشه مروج این دو منبع عظیم الهی بوده است. هم برای خود بهره‌برداری کرده و هم به جامعه بهره می‌رساند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیبی افزود: سفارش دیگری که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن بسیار تأکید کرده و هنگام اعزام امام علی علیه‌السلام برای فتح یمن بارها گوشزد نمودند، تواضع است.

آیت الله خسروشاهی با همه فضیلت و بزرگواری وقتی با جوانان روبرو می‌شود، خودش را حتی کوچک‌تر از آنها معرفی می‌کند.

سخنران این نکوداشت در پایان تأکید کرد: چه خوب

است که همیشه از شخصیت‌های وارسته و ربانی در زمان حیات آنها تجلیل و قدردانی شود. کسانی که زحمت عمل و علم را به جان خریده و به تکامل رسده‌اند و دیگران را نیز به تکامل می‌رسانند .

در ادامه این مراسم، آقای مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، با اشاره به این‌که دانشمندان سنت‌شکن موجب بالندگی علم شده‌اند، گفت: مقاله آیت الله خسروشاهی در باب مکتب تفکیک، توجهات را به سوی خود جلب می‌کند.

وی افزود: وقتی مقاله مکتب تفکیک آیت الله خسروشاهی را مطالعه کردم، خوشحال شدم از این‌که یک استاد وارسته شیعی بحث فلسفه می‌کند. چرا ما باید دنباله‌رو متعصبان اهل سنت باشیم که حتی ابن‌سینا و فارابی را ننگ اسلام می‌دانند؟ ما پیرو مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستیم که معتقدند باید علم را بیاموزیم.

وی در پایان سخنان خود گفت: دانشمندانی مانند آیت الله خسروشاهی که موجب بالندگی علم شده‌اند، باید همیشه مورد توجه و قدردانی قرار بگیرند و امروز به خود می‌بالم که در مراسم نکوداشت این فرهیخته گرانقدر حضور دارم. ما پیش از این در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور برای برخی از دانشمندان بزرگ کشورمان مانند استاد الهی‌قمشه‌ای جلسات بزرگداشتی برگزار کردیم اما متأسفانه این مراسم بعد از وفات این دانشمندان بود. ما باید سنت نامناسب قدردانی بعد از وفات دانشمندان را منسوخ کنیم و در حیات‌شان آن‌ها را مورد تجلیل قرار دهیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شیخ‌الاسلامی رئیس سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران نیز در این نکوداشت گفت: در قرآن معیار ارزش‌ها ایمان، علم، تقوا و جهاد فی سبیل الله معرفی شده است و آیت الله خسروشاهی این چهار صفت را که معیار انسان‌های متعالی و معنوی هستند، در شخصیت خود به همراه دارد.

وی افزود: ایمان تا آنجا در اسلام معیار ارزشمند محسوب می‌شود که طبق روایات اسلامی، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام ستایش امام علی علیه‌السلام از آن حضرت با عبارت انت اول المؤمنین ایماناً بالله یاد می‌کند. در اسلام معتقد هستیم که اگر یک مؤمن واقعی را در یک کفه ترازو و هزار انسان غیر مؤمن را در کفه دیگر ترازو قرار دهند، ارزش یک مؤمن بالاتر خواهد بود. این جایگاه ایمان در اسلام است.

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ‌الاسلامی گفت: در بحث علم نیز که البته دانش و بیش در معنای قرآنی آن بوده و حامل ارزش‌های الهی است، ما با بعد بسیار عظیمی روبه‌رو می‌شویم. گاهی اصطلاح علم آنچنان قرآنی و شرعی می‌شود که قرآن از خودش به‌عنوان علم یاد می‌کند.

وی ادامه داد: معیار سوم تقواست. تقوا یعنی پروا و احساس مسئولیت در حضور و محضر الهی؛ و معیار چهارم، جهاد فی سبیل الله است که جایگاه شاخص و مهم آن در اسلام، بر همگان معلوم است. خوشبختانه وقتی زندگی‌نامه آیت الله خسروشاهی با عنوان 'خلوت‌نشین' را از مطالعه و زندگی و مجاهدت‌های علمی و عملی ایشان را از نظر گذراندم، متوجه شدم که تمام معیارهای ارزشی که ما در منطق وحی و از زبان اولیاء دین برای انسان‌های متعالی و معنوی می‌شناسیم در چهره آیت الله خسروشاهی ظاهر و آشکار است.

دکتر شیخ‌الاسلامی ادامه داد: از بالاترین افتخارات آیت الله خسروشاهی در کنار دارا بودن معیارهای ارزشی قرآنی، نسبت و مناسبت و حسب و نسبی است که ایشان با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دارد.

گزارش روابط عمومی ستاد نکوداشت پیشکسوتان حوزه علمیه تهران می‌افزاید: در پایان این مراسم، آیت الله سیدابراهیم خسروشاهی با تأکید بر این‌که قوانین کشور باید بر اساس فقه اکبر بنا شود، گفت: مسئولان دولت و اداره‌کنندگان کشور استعدادهایی را بیابند و آن‌ها را برای طلبگی خاص معرفی کنند تا پس از چند سال، اداره کشور را در دست بگیرند و ایران را به یک کشور کاملاً اسلامی تبدیل کنند.

ایشان افزود: از علما و دانشمندان حوزه‌های علمیه می‌خواهم تا زحمات عملی خود در برگزاری

همایش‌های تجلیل از اساتید را پیگیری کنند تا جامعه اسلامی از ثمره برگزاری این گونه محافل بهره کافی ببرد. آیت الله خسروشاهی خاطرنشان کرد: به یاد دارم که چند سال پیش مجلس یاد بود و گرامی داشت آیت الله شاه‌آبادی در تالار علامه امینی تشکیل شد.

به عنوان یکی از سخنرانان مجلس عرض کردم که طبق فرمایش مقام معظم رهبری، علوم عملی و اصولی، فقه اکبر است.

مرحوم شاه‌آبادی هم نسبت به دیگر علما، فقیه اکبر بود و یکی از فتاوی ایشان که در کتاب ارزشمند آنسان و فطرت آن را بیان کرده، این است که: انسان بدن نیست و شامل قلب و روح است و اولین مطلبی که انبیاء الهی در مأموریت‌های خود برای نجات بشریت به بشر عنوان کرده‌اند، همین موضوع است که انسان یک جسم شامل گوشت و استخوان نیست بلکه در حقیقت بر خلاف دیگر مخلوقات، به معنای قلب و روح است.

آیت الله خسروشاهی ادامه داد: اگر می‌گوییم فلسفه اعلای متعالیه، فقه اکبر است و اگر مفتی او نقل می‌کند که کشف نخست انبیاء این است، پس چرا کشور مادر پی تقلید از فقیه اکبر نیست و چرا حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و فرهنگ ما بر این اساس تشکیل نشده‌اند؟ استاد حوزه علمیه تهران در ادامه گفت: از آن زمان که این سخنان را مطرح کردم، هیچ شخص حقیقی و حقوقی در مجلس، دولت و مراکز علمی درباره آن سخنان تحقیق و بررسی نکرده‌اند.

بنابراین معتقد هستم که برگزاری یادبودها و نکوداشت‌ها بدون توجه به افکار و اندیشه‌های شخص تجلیل‌شونده فایده‌ای ندارد.

آیت الله خسروشاهی در ادامه با اشاره به این‌که مملکت‌ما مثل کشتی طوفان‌زده در جهان فساد و فتنه، در خطر قرار دارد، خاطرنشان کرد: تصمیم‌های علمی ما چگونه باید گرفته شوند؟ بی‌ریزی قوانین باید بر چه اساسی باشد؟ روشن‌گری‌های فکری باید از کجا شروع شوند؟ مطبوعات و رسانه‌ها و نویسندگان باید از کجا الهام بگیرند؟ به نظر می‌رسد تأسیس و راه‌اندازی یک مرکز که در آن افکار مفید سلامت روحی و جسمی کشور، بررسی شود، الزام دارد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود، زمین‌لرزه خفیف ماه گذشته تهران را یادآور شد و گفت: در نهج‌البلاغه خطبه‌ای به نام استسقا وجود دارد.

در بلاد اسلامی قحطی آمده بود و مردم از امام علی علیه‌السلام خواستند تا بیرون شهر نماز استسقا به پا دارد. امام علی علیه‌السلام در بیابان‌های اطراف شهر حاضر شد و دست‌هایش را نه به سوی خدا، بلکه به سمت مردم بلند کرد و فرمود: زمین، آب و هوا و بادهای باران‌آور در اختیار خداوند قرار دارند.

بیباید اصلاح شوید و از گناهان دوری کنید تا خدا بر شما رحم کند و قحطی بر طرف شود.

با این حال بعد از زلزله تهران، تنها بحث مقاوم‌سازی و تجدید بناهای فرسوده مطرح شد.

خوب، این ایده‌ها در کشورهای دیگری مانند ژاپن و استرالیا هم انجام می‌شود، پس فرق ما با آن‌ها چیست؟ آیا برای دفع شر نباید خود و امور خود را اصلاح کنیم تا خدا بر ما رحم کند؟! آیت الله خسروشاهی تأکید کرد: ما معتقدیم که اصلاح جهان به وسیله افکار اسلامی شیعی انجام خواهد شد و ما مبتکر اصلاحات جهانی هستیم.

درخواست من این است که تشکیلاتی در اختیار نویسندگان، اساتید حوزه و دانشگاه و روشنفکران قرار داده شود تا یک انقلاب قلبی و فکری بنا شود.

هر گاه این انقلاب انجام شد، ما دیگر از گوشت و استخوان نیستیم و قلب و فکر هستیم.

استاد حوزه علمیه تهران هم چنین به بیان خاطره‌ای از امام خمینی (قدس سره) پرداخت و اظهار کرد: خداوند در آیات ۱۵ و ۱۶سوره مائده می‌فرماید: ...نور و کتاب مبین، یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام...، ما یک نور و کتاب مبین نازل کردیم، سلامتی در آن، این است که باید من اتباع رضوان‌الله باشیم، یعنی دانشگاه، علوم مختلف، اساتید و تربیت شاگردان باید رضوان‌اللهی باشد.

امام راحل فرمود: تنها انبیاء می‌توانند رضوان‌اللهی باشند. خوب این شأن انبیاست و ما به انبیاء نیاز داریم.

حال در زمان غیبت انبیا که رضوان‌اللهی‌اند، چه کسانی هستند؟ حوزه باید انبیا را تربیت کند و راه دستیابی به آن طرح معماری نوین براساس افکار خالص شیعی است.

آیت الله خسروشاهی در پایان سخنان خود بیان کرد: ائمه جمعه و جماعت در مساجد و مناطق خود، باید از فرزندان خانواده‌های مذهبی که تا حالا با گناه آشنا نشده‌اند، استعدادهایی را بیابند و برای طلبگی خاص معرفی کنند. این طلبه‌ها باید در حوزه‌های علمیه تربیت شوند تا اداره امور را در دست گرفته و زمینه ظهور حضرت



ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کنند . گفتی است، نکوداشت آیت الله خسروشاهی به عنوان نخستین مراسم از سلسله نکوداشت‌های پیشکسوتان حوزه علمیه تهران، توسط حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام و با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدواسیما، بنیاد امام رضا علیه‌السلام، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و انتشارات امیرکبیر برگزار شد.

در پایان این مراسم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اهدای لوح یادبود و ۱۰قطعه سکه تمام بهار آزادی، سازمان تبلیغات اسلامی با اهدای لوح یادبود و دو قطعه فیش حج عمره، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران با اهدای یک تابلو فرش منقوش به آیات قرآنی، انتشارات امیرکبیر با اهدای مجموعه اثر موسوعه کلمات الرسول الاعظم (ص) عن طرق الشیعه و لوح یادبود و سه قطعه سکه تمام بهار آزادی، حوزه علمیه مروی با اهدای لوح یادبود و حوزه قاسم ابن الحسن علیه‌السلام با اهدای تابلو فرش منقوش به آیات قرآنی، از بیش از ۶۰ سال مجاهدت علمی و عملی آیت الله سیدابراهیم خسروشاهی قدردانی کردند.

شرح حال خلوت‌نشین

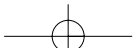
هم‌زمان با برگزاری مراسم نکوداشت آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی، نخستین جلد از کتاب‌های پیشکسوتان حوزه علمیه تهران توسط انتشارات امیرکبیر با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد.

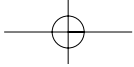
این کتاب به شرح حال آیت الله خسروشاهی اختصاص دارد و به کوشش عباسعلی مردی به نگارش درآمده است.

مؤلف در این اثر تلاش دارد کاوشی در خاطرات آیت الله خسروشاهی و توشه معنوی و علمی ایشان را که از محضر بزرگانی چون آیت الله العظمی بروجردی، آیت‌الله شیخ عباس تهرانی، علامه طباطبایی و امام خمینی (قدس سره) هم آندوخته است، در اختیار مخاطبان قرار دهد.

در دیباچه این کتاب که به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر رشاد نگارش شده، آمده است: در کنج و گوشه گنجستان حوزه‌های مقدسه شیعه -از جمله حوزه تهران - بسیاریان مردان معرفت و معنی که در حال و هاله خلوت‌گزینی و جلوت‌گریزی، منشأ خدمات نمایان و شایانی بوده‌اند و هستند، تربیت نفوس، لنگرداری حوزه‌های مقدسه، پروردن شاگردان و شخصیت‌های بارز و برجسته و احیاناً تولید آرای فخیم و تصنیف آثار فاخر، از جمله خدمات علمی -معنوی این زمره مردان است.

بر ذمه خوشه‌چینان خرمن پربرکت علمی - معنوی این رجال بی‌ادعاست که به اقتضای ادب و وظیفه‌گزاری، خدمات ایشان را پاس بدارند و وجود ذی‌جودشان را ارجمند شمارند.».



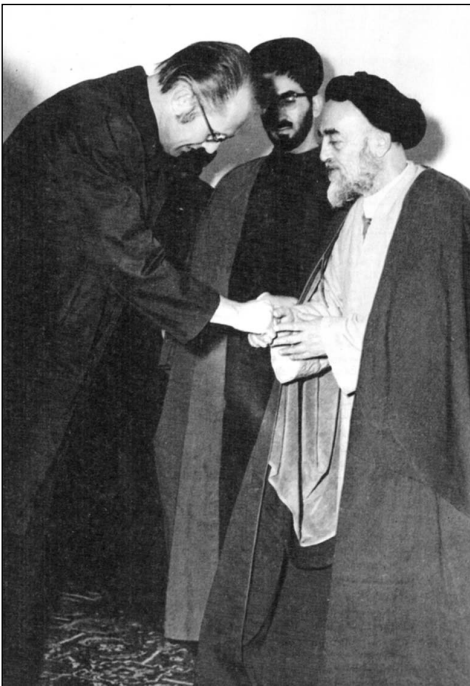


گفت و گو با استاد سید هادی خسرو شاهی درباره دوران همراهی با استاد

علامه طباطبائی در معرض تکفیر!

کلام شود؛ اگرچه این نوشتار، نتیجه پرسش و پاسخی مکتوب است. باید بابت لطف استاد خسرو شاهی تشکر کنیم که در این احوال جسمی ما را یاری داد.

مجله پنجره شماره ۲۳ مورخ ۲۱ آذر ۸۸



البته ایشان مدتی به تدریس شفا پرداخته بودند و پس از آن، علاوه بر درس‌های خصوصی در فلسفه و عرفان، تدریس رسمی و عمومی اسفار را آغاز کردند و شاگردان ایشان در این رشته معروف تر از آن هستند که نامشان را بیاوریم؛ هر چند ذکر نام همه‌شان هم مقدور نیست و تنها می‌توان به اسامی اساتید محترم: شهید مرتضی مطهری، جلال الدین آشتیانی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، جوادی آملی، مصباح یزدی، حسن حسن زاده آملی و شیخ یحیی انصاری شیرازی، دکتر غلامحسین دینانی و... اشاره کرد. پس بی تردید نقش علامه در احیای فلسفه شیعی، یک نقش اساسی و بنیادی است و این یادگار ایشان در حوزه‌های علمیه جاودانه خواهد ماند.

نقش علامه در احیای سنت تفسیر قرآن در تشیع را چگونه می‌بینید؟
متأسفانه مدت‌های مدیدی عمده‌ترین دروس حوزه‌ها، فقط ادبیات، منطق، اصول و فقه بود. یعنی تدریس تفسیر و حکمت نه تنها مرسوم نبود، بلکه تا حدی هم غیرمطلوب به شمار می‌رفت!

البته، تألیف کتاب‌ها در تفسیر قرآن در عالم شیعه همیشه وجود داشته، ولی تدریس رسمی آن در حوزه‌ها مطرح نبود. علامه طباطبائی با آغاز رسمی درس تفسیر در مسجد مدرسه حجتیه و درس حکمت در مسجد سلماسی، آن‌ها را بین دروس رسمیت داد.

تفسیر بیست جلدی آل‌میزان، در واقع محصول این جلسات تفسیری بود و در آن جلسات، اساتید تفسیری بزرگی تربیت یافتند که امروز، آثار و تفاسیر آن‌ها، در حوزه‌ها مورد استفاده همگان است.

البته تحولی که علامه در این رابطه ایجاد کرد، تدریجی بود. چون اصولاً روش علامه جنجال و هیاهو نبود، بلکه برای ایشان هدف مطرح بود که به آرامی به آن پرداختند و به یاری حق آن را تثبیت کردند.

دلیل اقبال ایشان در حیات فکری و اجتماعی به قرآن چه بود؟

شاید بتوان گفت که دلیل عمده توجه ایشان به قرآن مجید و تدریس و تفسیر آن، ناشی از فطرت پاک و سلیم و صفای درونی و روح عرفانی علامه بود که اصالت قرآن و نقش آن در احیای نفوس و بیداری امت مسلمان را دریافته بود. یعنی علامه طباطبائی وقتی می‌بیند که از دیدگاه قرآن، عامل محرک تاریخ و ایجاد تحول در میان ملل و جوامع اسلامی، تغییر و تحول معنوی و درونی انسان است، چنان که قرآن به صراحت از آن یاد می‌کند: *أَن اللّٰهُ لَا یَغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یَغَیِّرُوْا مَا بِأَنفُسِهِمْ*، به آن تمسک جست و حیات فکری و اجتماعی خود را با آن پیوند زد. این اقبال به طور طبیعی در دل شاگردان ایشان هم جوانه زد و ریشه دوانید؛ تا این که امروز شاهد پیدایش و تولید تفاسیر بی‌شمار در حوزه‌های علمی شیعه و تهیه دانش‌نامه‌ها و انتشار مجلات تخصصی قرآنی هستیم که بی‌تردید بخشی از ثمره احیای اندیشه قرآنی توسط علامه طباطبائی است.

ظاهراً علامه توجه جدی به تولید در حوزه فلسفه هم داشتند.

در واقع علامه طباطبائی نخست با تشکیل جلسات ویژه دروس فلسفی برای فضلالی نامدار

گفت و گو با استاد سید هادی خسرو شاهی در روزهای صورت گرفت که در بستر بیماری بود و تقدیر از وی در همایش حکمت سینوی هم در غیابش برگزار شد. اما نام علامه طباطبائی باعث شد تا وی که سال‌های زیادی را با ایشان زیست داشته‌اند، متقاعد کند تا با مجله پنجره هم

مجموعه آثار فارسی استاد علامه به یاری خدا و با کوشش این جانب، هم اکنون در بیست و دو جلد تنظیم شده و منتشر می‌گردد.

البته بعضی از این آثار، ترجمه اساتید محترم است. آثاری چون: *بدایه الحکمه*، *نهایه الحکمه* و *رسایل توحیدی* و... بقیه را نیز بنده پس از ویرایش به محضر استاد عرضه می‌داشتم و در پی بازبینی معظم‌له، به دست چاپ می‌سپردیم. اما متأسفانه بعد از رحلت ایشان، عده‌ای از علاقه‌مندان استاد، آن‌ها را به طور پراکنده و با نام‌های مختلف، چاپ می‌کردند که به‌نظر کار صحیحی نبود... به همین دلیل من پس از مراجعت از سفرهای خارج از کشور، به تنظیم و ویرایش مجدد آن‌ها پرداختم و خوشبختانه توسط مؤسسه بوستان که یکی از مهمترین مراکز نشر در حوزه علمیه قم می‌باشد، منتشر می‌شود.

تاکنون پانزده جلد از آن‌ها چاپ شده و پنج جلد دیگر نیز زیر چاپ و یا در مراحل نهایی است... و تنها جلد بیست و دوم باقی مانده و شامل: *نامه‌ها*، *اشعار*، *اجازه‌ها* و *تقریظ‌ها* خواهد بود که به‌نظرم *جنگ جالبی* می‌شود؛ در این‌جا از دوستان و اساتید محترم می‌خواهم که اگر یادداشت، شعر، نامه و یا دست‌خطی از استاد علامه دارند، کپی آن را در اختیار ما قرار دهند تا در این مجموعه ارزشمند آن استفاده شود.

نقش علامه را در احیای اندیشه فلسفی شیعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

البته فلسفه و یا به اصطلاح *حوزوی حکمت*، پیش از علامه طباطبائی هم به‌نحوی در بعضی از حوزه‌ها مطرح بوده است... از زمان بوعلی سینا تا عصر ملاصدرا و تادوران حکیم سبزواری و تا امروز، اساتیدی در این رشته وجود داشته‌اند که آثار ماندگاری هم از آن‌ها به یادگار مانده است.

در زمان ما در حوزه علمیه قم، بیشتر منظومه مرحوم ملاهادی سبزواری در منطق و حکمت تدریس می‌شد. ولی متأسفانه تدریس اسفار ملاصدرا، چه توسط امام خمینی و چه علامه طباطبائی با عکس‌العمل‌های منفی، تا مرز تکفیر (!) و آب کشیدن لیوان فرزند امام (به‌خاطر تدریس اسفار توسط پدر!)، روبه‌رو شد... حتی یکی از شاگردان سابق علامه طباطبائی کتابی تحت عنوان: *حول المیزان* نوشت و منتشر ساخت که در آن علامه طباطبائی متکر ضروریات! معرفی شده بود.

ولی به تدریج گرایش‌ها در حوزه تغییر یافت و علامه طباطبائی هم با توجه به پشتکار و علاقه و احساس مسئولیتی که در ترویج تفسیر قرآن و فلسفه در حوزه‌ها احساس می‌کرد، به تدریس ادامه داد تا آن که حکمت و فلسفه در حوزه جایگاه خود را پیدا کرد. البته مرحوم علامه طباطبائی پس از ورود به حوزه علمیه قم، نخست به تدریس دروس رسمی فقه و اصول پرداخته بود و به گفته شخصیت برجسته علمی - فقهی معاصر، آیت‌الله آقازهی شیرازی که خود در فقه و اصول تخصص کامل دارند، اگر علامه طباطبائی این رشته را ادامه می‌داد، مرجعیت ایشان قطعی بود... اما خود علامه این روش را ادامه نداد و یک‌بار به ما فرمود: *من دیدم که در حوزه درس فقه و اصول متصددیان لازم وجود دارند و به اصطلاح من به الکفایه هست*، اما تفسیر و حکمت، متولی ندارد و درواقع هر دو مجهورند و این بود که تفسیر قرآن و تدریس فلسفه را شروع کردم...

نخستین دیدار جناب عالی با علامه طباطبائی در چه تاریخی بود، آیا خاطره‌ای از آن دیدار دارید؟

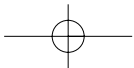
بنده در شانزده سالگی، یعنی در سال ۱۳۳۲، پس از رحلت مرحوم والد آیت‌الله سید مرتضی خسرو شاهی، به قم آمدم... از لحاظ تحصیلی در مرحله *سطوح* بودم و به‌طور طبیعی در درس خارج مراجع و یا درس فلسفه علامه طباطبائی نمی‌توانستم شرکت کنم... اما با توجه به سابقه آشنایی و روابط آقایان عظام قم از جمله مرحوم علامه طباطبائی، با پدرم به محض ورود به قم به دیدار بزرگان علما و مراجع عظام، از جمله استاد علامه طباطبائی شتافتم... در نخستین دیدار با علامه طباطبائی وقتی خودم را معرفی کردم، ایشان اولاً خیلی خوشحال شدند که سلسله روحانیت در خاندان ما که سابقه چهارصد ساله دارد، منقطع نشده است و سپس به ذکر خیر از مرحوم ابوی پرداخته و بنده را مورد لطف و عنایت و محبت قرار دادند... در آن دیدار، سید جلیل‌القدری هم با کمال تواضع و ادب، در گوشه‌ای ساکت نشست به بود که بعدها فهمیدم ایشان آقای *سید محمدحسین حسینی تهرانی* است که آثار و تألیفات ایشان در فلسفه و عرفان هم اکنون مشهور و در اختیار همگان است... و راز این ادب و تواضع را بعدها فهمیدم و آن راز این بود که مرحوم آقای تهرانی، در سیر و سلوک عرفانی، از شاگردان خاص علامه طباطبائی بوده است. به هر حال آن نگاه مهرآمیز علامه، با آن چشم‌های آبی آسمانی، سخت انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد... و درواقع من هرگز این نخستین دیدار را فراموش نمی‌کنم... البته بعدها که در مراحل تحصیلی پیشرفت کردم، در درس تفسیر و فلسفه استاد علامه شرکت نمودم و به منزلشان هم زیاد رفت و آمد داشتم.

جمع‌آوری آثار استاد علامه از سوی جناب عالی چه دلیلی داشت و از چه تاریخی آغاز شد؟

تاریخ دقیق آن را به یاد ندارم، ولی از همان اوایل تلمذ در محضر استاد، به جمع‌آوری مقالات و استنساخ رساله‌های ایشان پرداختم. البته در آن دوران دستگاه فتوکپی و تکثیر نبود. لذا شاگردان مرحوم علامه نوعاً آثار و رساله‌های عرفانی ایشان را استنساخ می‌کردند. من از روی علاقه خاص، همه آثار و مقالات و نامه‌ها و نوشته‌های ایشان را جمع‌آوری می‌کردم و استاد هم وقتی که این علاقه من را دیدند، گاهی یک نامه و یا پاسخ یک سؤال علمی را که برای دیگران تهیه می‌کردند، قبل از ارسال به من می‌دادند تا رونوشت آن را بردارم و بعد آن را بفرستند.

بعضی از این مقالات و رساله‌ها در زمان حیات استاد علامه، تحت عنوان: *بررسی‌های اسلامی* (در دو جلد) و *اسلام و انسان معاصر* (یک جلد)، با نظارت خود ایشان چاپ و منتشر شد. این اقدام بنده به‌نظم در حفظ، بخشی از آثار علامه، نقش مؤثری داشت؛ چراکه اگر این اقدام به عمل نمی‌آمد، اغلب این مقالات (منتشر شده در مجلات علمی - فرهنگی آن زمان) و یا نامه‌ها و پاسخ‌ها، کم‌کم فراموش شده و در واقع از بین می‌رفتند... اما اکنون به یاری خدا این مقالات و نامه‌ها و رساله‌ها، جمع شده و در بیش از هزار صفحه در اختیار عموم قرار دارد.

ظاهراً جناب عالی مجموعه آثار استاد علامه را هم در دست چاپ دارید؟



نظرها و اندیشه‌ها

نیمه اول دی ماه - شماره ۱۸ - ۹



▲ نشست‌هایی که مرحوم علامه با اساتید و محققان خارجی داشتند که در این جلسات استاد خسروشاهی حضور داشتند

تناقض‌های شگفت‌انگیز لائوتسه به پایان رسید، به ما گفت که از بین همه متونی که تا آن زمان با هم خوانده بودیم، کتاب لائوتسه عمیق‌ترین و ناب‌ترین همه بوده است. از آن پس، بارها ترجمه این متن را از ما خواست. اما متأسفانه متن ترجمه و یادداشت‌هایی که مادر آن گردهمایی‌ها درباره آن فراهم کرده بودیم، به دنبال آتش‌سوزی بیست و پنجم سپتامبر ۱۹۶۳ که در خانه من اتفاق افتاد، از بین رفت. نه نصر و نه من، هیچ‌کدام همت دوباره ترجمه آن متن را پیدا نکردیم...

از این جا به‌خوبی معلوم می‌شود که علامه طباطبایی چگونه با افکار و اندیشه‌ها و فلسفه‌های مذاهب و سرزمین‌های شرق و غرب آشنا بود.

و من به خاطر دارم که علامه طباطبائی در مورد "ذوالقرنین" که بعضی‌ها می‌گویند همان کوروش بوده از من خواستند که کتاب ابوالکلام آزاد را در این رابطه که آقای دکتر باستانی پاریزی ترجمه کرده بودند، برای ایشان تهیه کنم که من هم اطاعت کردم و ایشان در تفسیر آیه ذوالقرنین، مطالبی را از این کتاب نقل کرده اند... و همینطور کتاب مرحوم دکتر یدالله سبحانی درباره آغاز خلقت انسان را من به ایشان دادم که باز در تفسیر المیزان آن را نقد کرده اند...

جناب‌عالی خاطرات بسیاری با علامه داشته‌اید، یکی از شیرین‌ترین خاطرات خود با علامه را برای ما شرح دهید.

ما طلبه‌ها در حوزه علمیه قم، دو تا "حاج آقا" داشتیم. یعنی هر دو بزرگوار، که دور از القاب "عناورین رسمی" معروف به "حاج آقا" بودند. یکی امام خمینی بود و دیگری علامه طباطبایی. این دو بزرگوار نه دنبال مقام مرجعیت و نام و نشان بودند و نه پولی داشتند که مثلاً "شهریه‌ای" به طلاب خود بدهند و حتی هر دو بزرگوار، در معیشت خود با مشکل مواجه بودند.

آن‌چه که در محضر این دو بزرگوار مطرح بود، علم بود و فلسفه و عرفان و معنویت. در بالاترین مرتبه مفهوم کلمه... حضور در بیت و درس دین دو بزرگوار و دیدارشان، همیشه و همواره، "شیرین" بود. چون همراه با روح و آرامش و معنویت و خلوص و اخلاص بود که البته یادش به خیر باد...! و "شیرین‌ترین" آن‌ها را اکنون به یاد ندارم!

آخرین دیدار جناب‌عالی با استاد علامه چه زمانی بود؟

تقریباً چند ماه قبل از رحلت ایشان، اوایل سال ۱۳۶۰، من چون به عنوان مسئول نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در "واتیکان" عازم به آن کشور ایتالیا بودم، برای خداحافظی خدمت ایشان رسیدم. ضمن اظهار لطف، دو نکته و رهنمود را یادآورد شدند. اول این که: مفهوم آیه شریفه قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بینا و بینکم، ان لا نعبد الا الله... را به آقایان پدران روحانی یادآور شوم و اشاره کنم که هرگونه تعصب و رزی و اختلافات مذهبی باید برای خاطر نجات بشریت از بیماری سقوط و مادی‌گرایی، کنار گذاشته شود. نکته دوم هم یک تذکر خصوصی به حقیر بود که در یک جمله خلاصه فرمودند: "مراقبه و محاسبه هیچ وقت و در هیچ کجا فراموش نشود..."! و این آخرین رهنمود در آخرین دیدار، در اوایل سال ۱۳۶۰ بود...

مهمانان افتخاری آن شب دو شخصیت سرشناس از شرق و غرب بودند علامه محمدحسین طباطبایی از ایران، و هانری کرین فرانسوی. از مایه‌های عمده عرفان نظری سخن می‌گفتم که می‌بایست موضوع گفت و گوهايمان در آن سال باشد. بحث و گفت‌وگویی که تا پانزده سال پس از آن دیدار نخست ادامه یافت؛ مایه‌هایی با غنایی بی‌نظیر و ناشنیده، و در پیوند با مشکل‌های اساسی هراس درونی آدمی از کهن‌ترین ایام تا به امروز. یاد می‌آید کرین آن شب به موضوع نخستین گناه آدمی، به هبوط بشر پرداخت، و با طرح این مشکل در قالب مسیحیت، از علامه طباطبایی پرسید: آیا عرفان اسلامی نیز به گناه آغازین معتقد است؟ "سپس، با نقل قول از یک مؤلف فرانسوی که اکنون نامش را فراموش کرده‌ام، افزود: "دو هزار سالی که از آن گناه آغازین می‌گذرد کارمان را به جایی رسانده است که دیگر از گناه بدمان نمی‌آید." علامه طباطبایی، با صدای آرامی که به دشواری شنیده می‌شد، چنان که گویی برای خودش زمزمه می‌کرد، در پاسخ گفت: "هبوط بشر، نقص یا عیب نیست. پس آن قدرها گناه هم نیست. اگر میوه ممنوع نبود، امکانات بیکران وجود هرگز به منصفه ظهور نمی‌رسید." لیکن ستایشگر و تأییدکننده کرین هرگز از یاد نمی‌رود؛ لیکن معصومانه‌ای که درهای خلاقیت خودانگیخته اندیشه‌ای نجیبانه را مستقیم بر روی آدمی می‌گشاید. کرین گفت: "از آن جا که غرب، حس تأویل را از دست داده، ما دیگر قادر نیستیم به رموز کتاب مقدس راه ببریم و جنبه‌های اساطیری ابعاد قدسی جهان را روز به روز بیشتر به فراموشی می‌سپریم." نخستین بار بود که من به ابعاد باورنکردنی این اصطلاح که کرین اغلب آن را به کار می‌برد، و چنان که می‌دانیم، کلید نفوذ به اندرون تأملات وی باقی ماند، بی می‌بردم. علامه طباطبایی گفت: "بدون شناختن راز تأویل ناممکن است." دو مرد، با وجود دشواری‌های زبان و بیان با یکدیگر توافق کامل داشتند. من به امکانات بیکران این مفهوم [تأویل] با همه نتایج مترتب بر آن بعدها پی بردم. کرین به من می‌گفت: "منظور از کشف‌المحجوب همین است، یعنی پرده از باطن حقایق برگزفتن." این دیدارها، حتی پس از عزیمت کرین از ایران، ادامه یافت و ما توانستیم با کمک علامه طباطبایی، به تجربه‌ای یگانه در ایران دست بزنیم؛ یعنی بررسی تطبیقی مذاهب متفاوت جهان را زیر نظر علامه شیعی مذهب سنت‌شناس آغاز کنیم. ما در طی این بررسی‌ها، ترجمه‌های انجیل‌ها، روایت فارسی اوپانیشادها، برگردان دارالشکو، سوتراهای بوداییان و تائوته کینگ لائوتسه را پیایی خواندیم. کتاب اخیر را من و سیدحسین نصر با شتاب به فارسی برگرداندیم و همراه با علامه خواندیم. وی متون نامبرده را با تیزهوشی یک پیر روحانی تفسیر می‌کرد و همان‌قدر از اندیشه هندوان احساس آرامش می‌کرد که از برخورد با عالم معنوی بودائی‌ان و چینیان. او، در این اندیشه‌ها، هرگز چیزی نیافت که آن را از بنیاد با عرفان اسلامی که خود با آن آشنا و مأنوس بود، در تضاد ببیند.

او در همه این‌ها، دقایق بزرگ روح را می‌دید، و چون کار مطالعه اندیشه سرگیجه‌آور و سرشار از

پس از آن که دکتر شایگان فرازهایی از "آپانیشادها" را برای علامه ترجمه می‌کند، به ایشان می‌فرماید: "این مطلب به متون محی‌الدین عربی نزدیک است" و لذا خواستار ترجمه کامل کتاب می‌شود تا از همه مباحث آن آگاه شود و این در واقع نشان‌دهنده روح جست‌وجوگر فیلسوفی است که به افق‌های وسیع‌تری از علم و فلسفه می‌نگرد و به آن‌چه که خود دارد، بسنده نمی‌کند.

به نظر برای تکمیل این بحث، نقل خلاصه دو مطلب دیگر از دو کتاب دکتر داریوش شایگان ضروری است که خود شاهد عینی مباحثات علامه با هانری کرین بوده و اینجانب نیز در بعضی از جلسات آن در "درکه" یا منزل آقای ذوالمجد طباطبایی حضور داشتم.

دکتر شایگان در کتاب "زیر آسمان‌های جهان" می‌نویسد: "من از محضر چهار تن فیض برده‌ام. بی‌هیچ تردیدی علامه طباطبایی را بیش از همه ستوده و دوست داشته‌ام. به او احساس ارادت و احترامی سرشار از عشق و تفاهم داشتم. سوای احاطه وسیع او بر تمامی گستره فرهنگ اسلامی (می‌دانیم که او مؤلف کتاب ماندگار المیزان در تفسیر قرآن است که در بیست جلد منتشر شده)، آن خصلت او که مرا سخت تکان داد، گشادگی خاطر و آمادگی او برای پذیرش علوم بود. به همه حرفی گوش می‌داد، کنجکاو بود و نسبت به جهان‌های دیگر معرفت، حساسیت و هشیاری بسیار داشت. من از محضر او به نهایت توشه برداشتم.

هیچ‌یک از سؤالات مرا درباره مجموعه طیف فلسفه اسلامی بی‌پاسخ نمی‌گذاشت. با شکیبایی و حوصله و روشنی بسیار به توضیح و تشریح همه چیز می‌پرداخت. فرزنگی‌اش را جرعه جرعه به انسان منتقل می‌کرد. چنان که در درازمدت نوعی استحاله در درون شخص به وجود می‌آورد. ما با او تجربه‌ای را گذرانیدیم که احتمالاً در جهان اسلامی یگانه است؛ پژوهش تطبیقی مذاهب جهان به هدایت و ارشاد مرشد و علامه‌ای ایرانی، ترجمه‌های انجیل، ترجمه فارسی اوپانیشادها، سوتراهای بودایی، و تائوته چینگ را بررسی کردیم. استاد با چنان حالت کشف و شهودی به تفسیر متون می‌پرداخت که گویی خود در نوشتن این متون شرکت داشته است. هرگز در آن‌ها تضادی با روح عرفان اسلامی نمی‌دید - با فلسفه هند همان قدر آخت و آمخته بود که با جهان چینی و مسیحی.

... داریوش شایگان در کتاب دیگر خود به نام: "هانری کرین آفاق فکر معنوی در اسلام ایرانی" - چاپ تهران - می‌نویسد: "... در سال‌های دهه شصت، ما گروه کوچکی بودیم که هر چند وقت یک‌بار در باغ یکی از دوستان جمع می‌شدیم؛ گروهی از شیوخ فلسفه قدیم، به‌ویژه علامه سید محمدحسین طباطبایی، مدرس معروف فلسفه در قم و یکی از بزرگترین مفسران معاصر قرآن که در محفل مارت و آمد مرتب داشتند. من، در اوایل سال‌های دهه شصت، کرین را نخستین بار در همین محفل دیدم. بد نیست آن‌چه را که در این زمینه در جای دیگری گفته‌ام، در این جایز تکرار کنم. شامگاه خنک یکی از روزهای پایان تابستان بود. گروه کوچکی بودیم در محوطه روشنی از باغ...

نه تنها یک فیلسوف و حکیم صدرایی به شمار می‌رفت، بلکه خود در بسیاری از مسایل فلسفی صاحب نظر بود و از سوی دیگر به تصریح خودشان در "عرفان عملی" هم "طریقت خاص" خودشان را داشتند و شاگردان خود را با اوراد و اذکار و ادعیه ائمه اطهار(ع) در مسیر سیر و سلوک سوق می‌دادند.

من در "خاطراتی از علامه" در این زمینه بحث بیشتری کرده‌ام که امیدوارم به‌زودی چاپ و منتشر گردد.

اشاره به این نکته هم بی‌مناسبت نیست که علامه طباطبایی در مسئله لقاءالله^۱ با توجه به آیات قرآنی، اشاره دارند که هر انسانی که در دنیا در حال سیر و سلوک و خودسازی و تهذیب نفس است، اگر بتواند از تعلقات مادی و طبیعی به طور کامل دور شود و با اخلاق الهی متخلق گردد، این لقاء^۲ در روز رستاخیز رخ خواهد داد. و این مطلب را در جلد هشتم المیزان، شرح داده اند ولی این را نیز تأیید می‌کردند که انسان اگر در دنیا بتواند به کلی از هوای نفس دور شده و سالک راه حق گردد و غرق در نیازهای مادی دنیوی نشود، و تحلق به اخلاق الله پیدا کند، می‌تواند به مرحله لقاء و فنا برسد و بی‌شک خود استاد نیز، علی‌رغم کتمان همیشگی، جزو این سلسله از نوادر پاک روزگار ما بود.

به روز بودن و آشنایی ایشان با مبانی نظری و فلسفی غرب چگونه بود؟

علامه طباطبایی با توجه به ارتباطات علمی و فرهنگی - اجتماعی که داشت، در واقع در همه مسایل "به روز" بود. آثار ایشان، اعم از تفسیر، اصول فلسفه و یا مقالات، نشان می‌دهد که علامه طباطبایی با توجه به مسایل روز و نیازهای انسان عصر ما، مطالب را تجزیه و تحلیل می‌کند و بی‌شک بدون آگاهی عمیق و عینی نمی‌توان درباره مسایل گوناگون به بحث و بررسی پرداخت.

دیدارهای علمی فلسفی چندماهه و سالانه ایشان با پرفسور هانری کرین و شخصیت‌های برجسته دیگر، در تهران و قم نشانگر این حقیقت است که علامه همواره به دنبال آگاهی از آخرین پدیده‌ها در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی - فلسفی است.

دکتر شایگان در کتاب خود - زیر آسمان‌های جهان - ضمن اشاره به چگونگی ملحق شدن خود به اصحاب فلسفه که کرین و علامه طباطبایی محور آن بودند، می‌نویسد: "در دیداری با علامه در ساحل خزر مثل همیشه بحث فلسفه و رابطه دیدن و دانستن در میان بود. از نظر او تمامی معرفت اگر به سطح تجربه آنی و شهودی اعتلا نمی‌یافت، هیچ اعتبار و ارزشی نداشت. من در آن ایام نوشته‌های "یونگ" را زیاد می‌خواندم و در آن زمان در کتاب انسان و جست‌وجوی روان غرق بودم. استاد خواست بداند که کتاب چیست؟ و من هم خلاصه‌ای از کتاب را برایش نقل کردم. اصل مطلب این بود که در حالی که قرون وسطی روح جوهری و جانی را موعظه می‌کرد، قرن نوزدهم توانست روانشناسی فارغ از روح را به وجود آورد. استاد چنان از این نکته به وجد آمد که خواست کتاب به فارسی ترجمه شود و افزود باید جهان را شناخت. ما نمی‌توانیم خود را در برج‌های عاج مان محصور و منزوی کنیم."

علامه طباطبایی؛ مظهر حکمت، دین، سخت کوشی و اعتدال



ادامه تحصیل به نجف می‌رود که در آنجا با آقاسیدعلی قاضی آشنا می‌شود و تا ۱۰ سال قاضی به تربیت وی در سیر و سلوک می‌پردازد.

وی خاطرنشان کرد: در سال ۱۳۱۴ وقتی رضا شاه صدور ارز از کشور را ممنوع می‌کند، به دنبال آن ارسال پول از ایران برای علامه غیرممکن شد، و در این زمان بود که علامه دچار مشکل بسیار می‌شود و به گفته خودش، مجبور به فروش تمام اثاثیه منزل شد و در نهایت به تبریز باز می‌گردد.

او با بیان اینکه علامه بعد از بازگشت از تبریز به خاطر مخروبه شدن املاک پدری مجبور به بازسازی آنها می‌شود، افزود: مرحوم پدرم، حدود ۱۰ سال از عمر خود را صرف بازسازی املاک و باغ‌های پدری می‌کند که از این دوران به عنوان دوران بذالت یاد می‌کند، چرا که کمترین یافته‌های علمی در این دوران برای او شکل گرفت.

فرزند ارشد علامه طباطبایی اظهار داشت: پدر در سال ۱۳۲۴ در سفری که به قم و مشهد می‌رود در راه از حوزه علمیه قم دیدن می‌کند و اظهار علاقه‌مندی برای

حضور در حوزه علمیه قم موجب شد تا در اسفند همان سال به قم عزیمت و تا پایان عمر در آنجا اقامت کند.

طباطبایی ادامه داد: علامه در قم ابتدا به تدریس فقه و اصول پرداخت، اما به فاصله کوتاهی متوجه شد که زمینه فقه و اصول در این شهر بالاست و بر خلاف آن دروس تفسیر قرآن و فلسفه ضعیف تدریس می‌شد. به همین دلیل شرح دروس خود را تغییر داد و مشغول به تدریس فلسفه و تفسیر در قم شد.

وی گفت: مرحوم پدر بسیار فشرده و پرمحتوا درس می‌گفت و هیچ گاه حاضر نمی‌شد با بلندگو صحبت کند و به جز روز عاشورا در تمام ایام سال مشغول پژوهش و آموزش بود.

دینانی، جلسات علامه با "هانری کرین" تلاقی اندیشه‌های شرق و غرب بود

غلامحسین ابراهیمی دینانی با اشاره به برخی جلسات علامه طباطبایی با هانری کرین، اسلام‌شناس فرانسوی گفت: آن جلسات به نظر می‌رسد تلاقی واقعی تفکر شرق و غرب بود که در نوع خودش بی‌نظیر بود.

ابراهیمی دینانی که یکی از شاگردان نزدیک علامه طباطبایی بود با اشاره به اینکه علامه فیلسوف بزرگ قرن ما و حکیم عالی مقامی بود، گفت: پیش از من، درباره زهد، عبادت و عرفان او سخن بسیار گفته شد و من می‌خواهم درباره شناخت زمان که مهمترین مسئله بشر است، صحبت کنم.

وی تصریح کرد: شناخت زمان نه به این معنی که ما در قرن ۲۱ هستیم، بلکه شناخت روح زمان که کمتر کسی از آن آگاهی دارد و به جرات می‌توان گفت، علامه تنها کسی بود که زمان را به درستی می‌شناخت.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه علامه از تبریز به نجف و از آنجا به قم که هر سه شهر مذهبی و سنتی هستند، می‌رود، افزود: با توجه به حضور دائمی علامه در شهرهای مذهبی و سنتی اما با تمام زهد و تواضعش در مقایسه با اندیشمندان، متفکران و فیلسوفان عصر خود آزاد اندیش‌تر بود چون روح زمان را می‌شناخت.

وی با تاکید بر اینکه آزاداندیشی علامه به خاطر شناخت درستش از زمان بود، اظهار داشت: درباره درس فقه و اصول او می‌توان به جرئت گفت، از هیچ کدام از فقهای دوران خود کمتر نبود، اما همیشه با تواضعش نگذاشت که این آثارش به چاپ برسد.

نویسنده کتاب فیلسوفان یهودی و یک مسأله بزرگ تصریح کرد: علامه همچنین در شرایطی فلسفه در قم را تدریس کرد که بزرگانی مثل مرحوم شاه‌آبادی، آقامیرزا آشتیانی و میرزا علی اکبر مدرس یزدی به خاطر تدریس فلسفه از قم خارج شدند.

ابراهیمی دینانی ادامه داد: اما علامه با شناخت دقیق از حوزه و صرف نظر از تدریسی چندین سال فلسفه را در قم تدریس کرد و شاگردان بسیاری را پرورش داد. نویسنده کتاب خواجه نصیر، فیلسوف گفت‌وگو افزود: علامه علاوه بر دروسی که در قم می‌داد مجالس شبانه‌ای به صورت دوره‌ای برای برخی از شاگردان ویژه خود برگزار می‌کرد و من تمام افتخارات زندگی‌ام توفیق حضور در این کلاس‌های شبانه بوده است.

وی تصریح کرد: علامه طباطبایی همچنین جلساتی را در تهران و در زمانی که هانری کرین و برخی از اساتید دانشگاه تهران جمع می‌شدند، برقرار می‌کرد که آن جلسات به نظر می‌رسد تلاقی واقعی تفکر شرق و غرب بود و در نوع خودش بی‌نظیر بود.

احمدی: اخلاق و عرفان از نگاه علامه به هم پیوسته است

مدیر گروه فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه برای علامه طباطبایی اخلاق و عرفان به هم پیوسته بود، گفت: او اعتقاد داشت به دلیل کامل بودن فقه در میان فقها، فیلسوفان اسلامی کمتر به این بحث پرداخته‌اند.

حجت‌الاسلام احمد احمدی، گفت: جهات مختلفی در اندیشه و اخلاقیات علامه طباطبایی وجود داشت، اما اخلاق وی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی بود که بسیاری را مجذوب خود می‌کرد.

وی تصریح کرد: علامه در جلد اول المیزان به زبان عربی بحث زیبایی در اخلاق بیان می‌کند و درخت اخلاق را در یک صفحه، که در آن سه مکتب را ذکر کرده، تدوین می‌کند.

این مدیر گروه فلسفه دانشگاه تهران افزود: اما علامه در ذیل این مکاتب یک مکتب توحیدی را عنوان می‌کند و می‌گوید، یک اخلاق دیگری وجود دارد که از آن به عنوان اخلاق توحیدی یاد می‌شود؛ به این معنی که آدمی هیچ نمی‌بیند و کاری نمی‌کند، جز برای خداوند. وی اظهار داشت: اخلاقیات بسیاری وجود دارد که دشوارترین آن اخلاق کانت است که می‌گوید هیچ کاری نباید به اجبار انجام شود، بلکه باید آن را تکلیف دانست و به آن تن داد.

این نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اما علامه طباطبایی با بر جای نیاافتنی می‌گذارد و در تمام مباحث فلسفی خود بر کمال آدمی تأکید می‌کند.

احمدی نپرداختن بحث اخلاق یا حکمت علمی از نظر علامه طباطبایی را در نزد فیلسوفان اسلامی به دلیل کامل بودن فقه در این بحث دانست و گفت: برای مرحوم طباطبایی، اخلاق و عرفان به هم پیوسته بود و او اعتقاد داشت عارف کسی است که تمام کارش برای خدا باشد و تأکید می‌کرد باید از راه عرفان اسلام را عرضه کند.

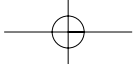
رئیس تدوین کتب اسلامی سمت افزود: آنچه من در طول ۲۰ سال معاشرت با علامه یافتم، کشتن غضب در وجود خود بود. او هیچ گاه در طول تدریس عصبانی و خشمگین نمی‌شد و همیشه آرام تدریس می‌کرد.

احمدی در پایان خاطرنشان کرد: من در طول عمر خود کمتر کسی را دیدم که اینقدر معتقد، فیلسوف و شیفته اهل بیت (ع) باشد.

داوری‌اردکانی: علامه طباطبایی فلسفه، حکمت، معرفت و دین را در خود داشت

رئیس فرهنگستان علوم با بیان این که استقامت و عاشقی از ویژگی مهم علامه بود، گفت: او همچنین تمام فلسفه، حکمت، معرفت و دین را یک جا در خود داشت.

رضا داوری اردکانی، گفت: اگر ما مرحوم طباطبایی را علامه خطاب می‌کنیم به خاطر احترام



دکتر کریم مجتهدی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

راوی اسلام ایرانی

حامد زارع: روزی بر فراز تپه ای مشرف بر جاده ای که مرز فرانسه و آلمان بود ایستاده بودیم. کربن با حالت محزون و فکورانه و در عین حال مسرت آمیزی به من گفت من وقتی شاگرد هایدگر بودم بارها برای دیدن وی به آلمان رفتم و نخستین بار از این جاده به دیدن هایدگر رفتم. ولی از وقتی که با سهروردی و ملاصدرا و سایر حکمای الهی ایران آشنا شدم دیگر مرا حاجتی به "سفر به آن سوی مرز" نیست (جشن نامه کربن، ص ۲ و ۳). عبارت بالا خاطره ای است که سید حسین نصر از او نقل می کند. او را نام های زیادی است. گاهی او را زائری دانسته اند که شهر غرب را به شوق دشت شرق ترک گفته است، گاهی او را گزارشگر پرشوقی دانسته اند که خط ایرانیت را در فلسفه اسلامی پی گرفته است، گاهی نیز از او به عنوان فرشته شناس عصر تجدد و سهروردی دان دوران معاصر نام برده اند و زمانی از او به عنوان بالغ ترین شرق شناس دوران تعبیر کرده اند. بنیادگذار فلسفه تطبیقی نیز یکی دیگر از عباراتی است که در کنار اسم وی می نشیند. هر عبارتی را که در کنار اسم او بتوانیم بگذاریم از اسم او نمی توان به سادگی گذشت. هانری کربن. او که شاگرد ارنست کاسیرر، ادمون هوسرل، مارتین هایدگر و لویی ماسینیون بوده است در نیمه های عمر خویش آفتاب دانش را در کرانه های ایران می بیند و سهروردی و صدرالمتالهین را به استادی خویش برمی گزیند. کربن بر آن است که ایران یگانه مکانی است که در عالم مثال قابل رویت و رصد است و در این رصد، شهاب سهروردی در کنار ما خواهد بود! وی همواره مسخ وفور واژه های زرتشتی در حکمت و شعر ایران دوره اسلام بود و از آن نکته ها بر می گرفت. امروزه سهم سترگی از بازشناسی ارزش فلسفه در دوره اسلامی را مدیون وی هستیم. حداقل در مورد شهاب الدین سهروردی اینچنین است. کربن، سهروردی را کشف کرد و به دنیا شناساند و این خدمت اندکی نیست. برخی از بزرگان قوم معتقدند امروز از آثار کربن بهره های فراوان می توان گرفت. می توانیم اولاً هویت مستقل فلسفه اسلامی را که غیر از فلسفه یونانی است و به خصوص نکات مهمی که در "حکمت انوار" یعنی فلسفه اشراقی "امام افلاطونیان پارس" وجود دارد آگاه شویم. شاید به همین دلیل نیز باشد که سید جواد طباطبایی که در وسواس منبع، مآخذ، مواد و مصالح پژوهش های خود بی همتا می نماید، دل در گرو هانری کربن از دریچه نگاه او به تماشای فلسفه اسلامی می نشیند و دو اثر از کربن را به فارسی باز می گرداند. چهارشنبه که گذشت مجلسی به نام کربن در یوسف آباد تهران آراسته شد. کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به روزشمار اندیشه و دانش کربن نشست و آرا و افکار او را کاوید. ناگفته نماند سخنرانی دکتر مجتهدی برگرفته از مقاله ای بود که خود وی در جشن نامه هانری کربن در فرانسه نگاشته بود.

ایرانی هستیم، ارثیه قومی ما شامل تعلیم و تربیت سنتی، اعتقادات، ادبیات و... ما است. با وجود اینکه ایران تاریخ پرفراز و نشیبی دارد، کربن معتقد است روح ایرانی به طور مستمر در آن باقی مانده است و کربن از مسیر فرهنگ اوصاف این روح معنوی ایرانی را تعیین می کند.

دکتر مجتهدی با اشاره به جنبه اشراقی و ذوقی اندیشه و آثار ابن سینا که مورد توجه کربن قرار گرفت، افزود: کربن کتاب حکایات تمثیلی ابن سینا را به فرانسه نوشت و در واقع ابن سینا در قرن ۱۲ میلادی مظهر آزاداندیشی غرب بود.

وی به اثر چند جلدی اسلام ایرانی" کربن اشاره کرد و گفت: اصالت عقل غربی به معنای جدید کلمه در واقع ابن رشدی است. سنت اشراقی در غرب فروکش می کند و کربن تصور می کند در شرق و به ویژه در ایران استقرار آن را می یابد که در کتاب اسلام ایرانی به آن می پردازد.

وی به دوستی بین مرحوم علامه جلال الدین آشتیانی و کربن و جلساتی که با یکدیگر در مشهد داشتند اشاره کرد وافزود: کربن علامه طباطبایی و آشتیانی را تبلور زنده فرهنگ معنوی ایرانی - اسلامی می داند.

دکتر مجتهدی با اشاره به اینکه با برخی اندیشه های کربن موافق نیستم اما او را یکی از عمیق ترین افرادی می دانم که در طول عمر خود دیدم، افزود: کربن به جنبه های شرقی ابن سینا توجه دارد اما به برهان های استدلالی نوع مشابهی او بی توجه است. با وجودی که سهروردی اصلی همان حکمت الاشراق است اما همین سهروردی قبل از حکمت الاشراق پنج کتاب مهم داشته که مورد توجه غرب قرار گرفته و بحث های منطقی فوق العاده که در آن است بی توجه است. هانری کربن به لحاظ علاقه خانوادگی به عرفای پروتستان آلمانی از فلسفه



دکتر کریم مجتهدی در نشست نقد و بررسی اندیشه هانری کربن" در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: هانری کربن شخصی است که تا حدودی با فرهنگ معاصر ما در ایران عجین شده است. او سخنگوی فرهنگ ما در غرب بود. او عشق خاصی به سنت های فرهنگی معنوی شرق دارد که نمونه آن را در فرهنگ ایران یافته است.

دکتر مجتهدی با تاکید بر روحیه جستجوگر کربن گفت: وی سماجت فوق العاده در تحقیق داشت و تقریباً می توان گفت تمام چیزهایی که گفته بدیع است، کربن در ذهن خود یک رابطه بین سنت های معنوی ایرانی و سنت های معنوی فراموش شده گذشته غرب پیدا کرد و معتقد است که غربی ها ارزش های باطنی خود را فراموش کرده اند.

سپس مجتهدی به زندگینامه ای که از کربن در یادنامه فرانسوی هانری کربن چاپ کرده است اشاره کرد و مطالبش را با توجه به آن مقاله ادامه داد: این استاد فلسفه با اشاره به زندگینامه هانری کربن و رابطه شاگردی او با ژیلسون تاکید کرد: ژیلسون کسی است که در غرب نشان داد ریشه های فرهنگی قرون وسطی قوی تر است و سهم متفکران بزرگ اسلامی را در پیدایش آزاداندیشی نشان می دهد به طوری که چهره ابن سینا در آثار ژیلسون به شدت درخشان است.

وی به اهدای کتاب چاپ سنگی "حکمت الاشراق" سهروردی از سوی ماسینیون به کربن اشاره کرد و افزود: از آن زمان و با خواندن این کتاب خط مشی فکری کربن تا حدودی تعیین شد و او به این نتیجه رسید که گنجینه معنوی که در منطقه شرق و خاصه نزد ایرانیان است را بیش از پیش بفهمد و ارزیابی کند.

دکتر مجتهدی با اشاره به سفر اجباری کربن از استانبول به ایران به دلیل آغاز جنگ جهانی و اقامت شش ساله او در ایران فعالیت های علمی و پژوهشی او را در این مدت یادآور شد و گفت: کتاب "کشف المحجوب" سجستانی یک شاهکار کوچک است که مورد توجه کربن بود و در واقع هرمنوتیک (کشف چیزهای ناپیدا) همان کشف المحجوب است.

وی که به عنوان مترجم در سه جلسه دیدار کربن با علامه طباطبایی حضور داشت، در این باره گفت: کربن رابطه دوستانه ای با علامه طباطبایی داشت و در عین اینکه گاهی ترجمه ها به خوبی انجام نمی شد، اما درک عمیقی نسبت به نظرات یکدیگر داشتند.

دکتر مجتهدی با یادآوری علاقه کربن به ملاصدرا تاکید کرد: کربن یک چکیده و یک روحیه شیعی - ایرانی را در آثار ملاصدرا می بیند.

وی روش کربن را پدیدار شناسی دانست و گفت: کربن تحت تاثیر "یوم بود یعنی جوامع بشری تنها یک ضمیر ناخودآگاه شخصی ندارند بلکه ضمیر ناخودآگاه جمعی هم دارند که قوم خود و محتوای فرهنگی خود را می شناسند. یعنی ما که



خود به مقابله با همین پرداخته است. اگر احتمالاً وظیفه ای به عده فیلسوف است همین است و پس. حجت الاسلام دکتر سید محسن میری نیز در این نشست گفت: هانری کربن میراث گذشتگان ما را یک میراث دامنه دار و پیوسته می دانست که ما می توانیم با استفاده از آثار کربن در مورد این گنجینه از آن بهره های زیادی ببریم.

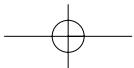
وی با تاکید بر روش کربن برای فهم و بازخوانی اندیشه های ایرانی -اسلامی افزود: کربن با ارائه روش هرمنوتیکی که معطوف به دغدغه های او از بحران انسان معاصر است به میراث اسلامی ما مراجعه و از روش ویژه ای برای باز کردن این گنجینه استفاده می کند که به آن کلید تصویر و تاویل می توان گفت و به ما نشان می دهد چنین ذخیره ای را می توان به پایه ها و عرصه های اجتماعی رساند.

وی با اشاره به اینکه کربن از طریق ذخیره های فرهنگی ایرانی -اسلامی سعی می کند بحران عقل و دین را حل کند، بر رویکرد معنوی کربن به هنر تاکید کرد و رفع تعارض وجودشناسی و رفع تعارض فهم را مهمترین مسئله در اندیشه کربن خواند و گفت: کربن در عین دلبستگی به شرق معنوی حکمت ایرانی - اسلامی را برمی گزیند و برای حل بحران دوگانه انگاری در عرصه وجود شناسی که ابن رشد آن را مطرح کرد و به جدایی عقل و ایمان منجر شد، کربن از عالم مثال آن را حل می کند.

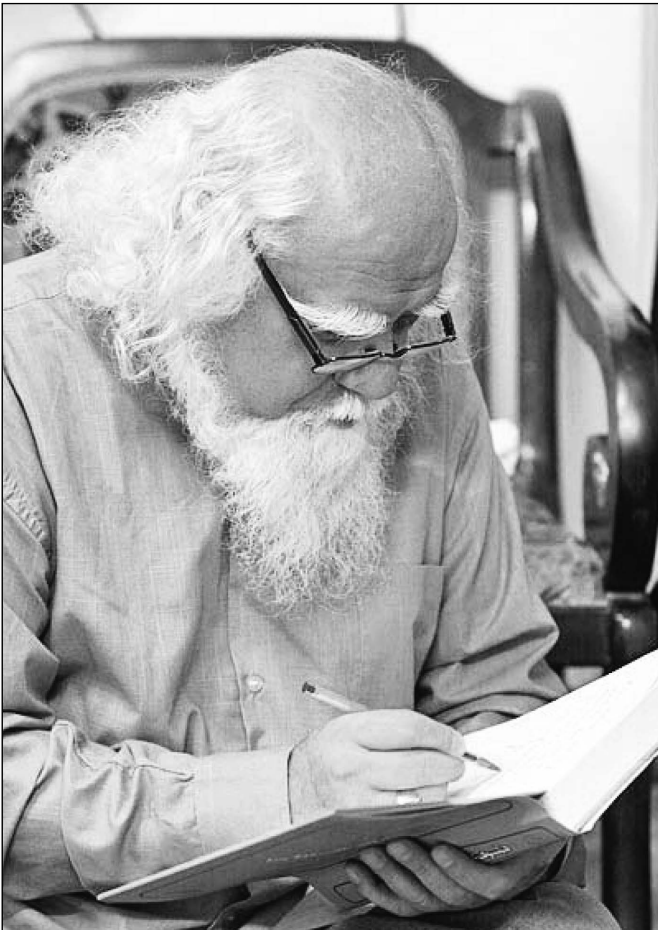
دکتر میری با اشاره به نقش و جایگاه کربن در اندیشه فلسفه اسلامی انتقادهایی نیز به دیدگاه های کربن وارد دانست و گفت: با توجه به تاکید کربن به اصلاح معنوی و حکمت مشرقی و سنت ایرانی - اسلامی آن روش هرمنوتیکی به دلیل ویژگی هایش یکسری کاستی ها دارد که به تحلیل محتوای آثار و اندیشه ابن سینا توجه نمی کند، در حالی که رویکرد تحلیلی و برهانی از اقتضائات کار است.

وی با بیان اینکه کربن از جهاتی خدای متعین را غیرقابل قبول می داند، افزود: کربن تصور می کند اگر ما یک اسلام و حکمت معنوی را در نظر بگیریم تا حد زیادی کارمان به سامان می رسد. فکر می کنم کربن عوامل تاثیرگذار در تاریخ را مثل قدرت، سیاست، فرهنگ اجتماعی و... در نظر نگرفته است.

حجت الاسلام میری با اشاره به عدم تفکیک مذاهب در نظر کربن تاکید کرد: کربن به راحتی از علوم اجتماعی اسلام می گذرد و اسلام را به یک امر فردی تقلیل می دهد. گاهی نگاه معنوی به دلیل عوامل بیرونی از حکمت معنوی تبدیل به عنصر ویرانگر می شود. پس امر معنوی در سازندگی تاریخ و بشر موثر است، اما باید وزن آن را با واقعیت ها سازگار کرد، به همین دلیل می بینم امروز از بهترین ایده ها بدترین استفاده ها امکان پذیر شده و عناصر غیرمعرفتی مثل قدرت و سیاست را در کنار آن می گذارند و شاید بتوان امر معنوی را با قدرتی فراتر از این امر مدیریت کرد و آن را به عنوان ابزار به کار گرفت.



محمدرضا حکیمی از قبول جایزه فارابی خودداری کرد



اصحاب تفکیک از شناخت راستین مبادی و اصول و حقایق قرآن و حدیث سخن می‌گویند ولی برای این شناخت راستین و خالص ملاک و ضابطه‌ای ذکر نمی‌کند. تنها ملاک و ضابطه‌ای که در خلال آثار ایشان دیده می‌شود نوعی گریز از پذیرش تاویل و انتقاد سخت از سخنان بسیاری از حکما و عرفا را باید نام برد. البته باید توجه داشت «تاویل» بر اساس معنایی که در قرآن کریم به آن اشاره شده غیر از تاویلی است که می‌توان آن را «تفسیر به رای» نامید. راه شناخت راستین و خالص قرآن و حدیث تنها جمود بر ظاهر نیست بلکه طریق تاویل صحیح نیز از طرق شناخت حقیقت به شمار می‌آید. محمدرضا حکیمی آفاق تحقیق را در مکتب تفکیک بسیار گسترده دانسته و معتقد است این مکتب مشتمل بر ۵۰ مطلب بنیادین و ۹۰۰ مسئله اساسی است. البته این سخن اغراق‌آمیز است و آنچه او آنها را به مکتب تفکیک اختصاص می‌دهد هیچ ارتباطی با این جریان فکری ندارد.

آقای حکیمی فهرستی تهیه کرده و بسیاری از مسائل کلامی - فلسفی را در آن مطرح کرده است. آنچه او در این فهرست آورده همان مسائل کلامی - فلسفی معروف و شناخته شده است که قرن‌های متمادی در میان حکما و متکلمان اسلامی مورد بحث و گفت و گو بوده است.

فاصله میان سه مشرب و مکتب معروف و او در بیان الفرقان نمی‌خواست کتابی فلسفی و عرفانی بنویسد... بلکه درصدد بود به قدر ضرورت به مطالب اشاره کرده و سپس مبانی معارف قرآنی را تشریح کند و بدین گونه نام «مکتب تفکیک» از تعبیر تداعی گر «بیان الفرقا» نیز الهام یافته است.

حکیمی: اخباری نیستیم!
محمدرضا حکیمی در کتاب مکتب تفکیک در نفی و زدودن تهمت اخباری‌گری از دامن اصحاب تفکیک کوشش فراوان کرده و چنین می‌گوید: «... اصطلاح اخباری‌گری مربوط به محدوده فقه و استنباط احکام عملیه و اجرای قواعد اصولی در اجتهاد یا عدم آن است و ربطی به قلمرو ژرف شناخت‌های سترگ ندارد...» تردیدی نمی‌توان داشت که ظواهر متون دینی، حجت است و حجیت آن نیز از طریق براهین عقلی به اثبات رسیده ولی در این مسئله نیز تردیدی نیست که هر یک از ظواهر دینی دارای باطن است و باطن آن نیز دارای باطن دیگری است و تعداد این باطن‌ها در علم حق تبارک و تعالی معلوم و آشکار است. به این نکته اساسی نیز باید توجه داشت که میان ظاهر و باطن یک متن دینی، هرگز اختلاف نیست و همواره ظاهر با باطن خود متحد و یگانه است.

گریز از تاویل
محمدرضا حکیمی مانند دیگر

و «کتب تفکیک». ناظران معتقدند منظری که الحیاء در برابر خوانندگان می‌گشاید، بدیع و بکر است. الحیاء وسعت نظر پیشوایان معصوم را در برابر خواننده نمایان می‌کند. از نگاه برخی استادان، این کتاب بهترین مصداق پیوستگی ثقلین یعنی قرآن و عترت است.

حکیمی در الحیاء، دین و سعادت انسانی را از مرتبه قدسیت و غیرقابل دسترس بودن به میان زندگی و امور روزمره وارد می‌کند. شیوه استاد در فراگیری فلسفه بر مبنای تفکیک بود که مکتب اجتهاد در فلسفه و معارف قرآنی است. این شیوه به نقد فلسفی که اخیراً برخی فاضلان به اهمیت آن واقف شده‌اند، بسیار اهمیت می‌دهد. در واقع استاد علامه حکیمی فلسفه انتقادی و اجتهادی خوانده‌اند که تقلیدی و تبعی این نوع فراگیری، در نوع تفسیر بدیع استاد از احادیث به خوبی مشهود است.

حکیمی و مکتب تفکیک

در سال ۱۳۷۵ شمسی کتابی تحت عنوان مکتب تفکیک چاپ و منتشر شد که برخی از بخش‌های آن نیز قبلاً در مجله کیهان فرهنگی انتشار یافته و مورد علاقه بسیاری از خوانندگان آن مجله قرار گرفته بود. نویسنده این کتاب محمدرضا حکیمی از طرفداران سرسخت و علاقه‌مندان جدی این جریان فکری شناخته می‌شود. وی در محضر بسیاری از علمای مکتب تفکیک درس خوانده و از دانش آنان بهره گرفته است. اصطلاح «مکتب تفکیک» با انتشار کتاب محمدرضا حکیمی که تحت همین عنوان تألیف شده بیشتر مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت. او در این کتاب چنین ادعا می‌کند: «واژه تفکیک را اینجانب از سال‌ها پیش درباره این مکتب پیشنهاد کردم و به کار بردم و امروز اصطلاح و معروف شده است. در اینجا باید از باب توضیح بیفزایم که این مکتب به جز جداسازی سه جریان شناختی از یکدیگر بعد دیگری نیز دارد و آن بیان معارف ناب و سره قرآنی است؛ بدون هیچ گونه امتزاجی، التقاطی، خلطی و تاویلی، از نوع تاویل‌هایی که می‌دانیم و همین خود جوهر غایی این مکتب است.»

محمدرضا حکیمی می‌گوید: پس بیان معارف قرآنی در مکتب تفکیک نه تنها جزو عناصر اصلی است بلکه اصلی‌ترین عنصر است و استاد ما رضوان‌الله علیه (یعنی حاج شیخ مجتبی قزوینی) دوره کتابی را که در این مقصود از نوع تالیف عام اهل این مکتب نوشت بیان الفرقان نامید به معنای تشریح تفاوت و تبیین فرق و پرداخت. ایشان طی این مدت به فراگیری دروس مقدمات و سطح و بعد از آن به درس خارج پرداخت و در کنار آن سالیان درازی به تحصیل فلسفه و کلام، همت گماشت و ادبیات عرب را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری فراگرفت. حکیمی همچنین از محضر استادانی همچون آیت الله شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، آیت الله سید محمدهادی میلانی و آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی بهره‌ها برد و برای فراگیری نجوم، تقویم و برخی علوم دیگر به محضر استادانی چون حاج شیخ اسماعیل نجومیان، حاج سید ابوالحسن حافظیان و حاجی‌خان مخیری و... شتافت، در سال ۱۳۴۸ اجازه اجتهاد را از شیخ آقا بزرگ تهرانی دریافت داشت. محمدرضا حکیمی در میان استادانش بیش از همه از شیخ مجتبی قزوینی تأثیر گرفت و این تأثیر سرانجام با تأسیس مکتب تفکیک توسط حکیمی انجامید. حکیمی در سال ۱۳۴۵ از مشهد به تهران کوچ کرد و خودش این واقعه را «هجرت الی التکلیف» نامید. از این تاریخ بود که با روشنفکران روزگار خودش بیشتر آشنا شد و در چند موسسه فرهنگی - انتشاراتی از جمله موسسه انتشارات فرانکلین مشغول کار شد.

چیستی اندیشه حکیمی

محمدرضا حکیمی در مقابل تفکر فلسفی بر تفکر بر مبنای قرآن و حدیث تأکید می‌کند. او صاحب آثار مهمی از جمله مجموعه هفت جلدی الحیاء است که دین شناسی گسترده‌ای بر اساس قرآن و حدیث است. حکیمی در اقتصاد اسلامی نیز صاحب تفکر و تحقیق است. حکیمی که خود از «مرزبانان حماسه جاوید» است، در طول چند دهه نسل معاصر را با عمق اندیشه و گستردگی آثار مردان با فضیلت آشنا کرده و با نگارش ده‌ها کتاب - که گاه شمارگان آنها به ۱۰۰ هزار رسیده است - مخاطبان خود را به سرچشمه زلال وحی نزدیک کرده است. بعثت، عید غدیر، عاشورا، مهدی، خورشید مغرب، کلام جاودانه، قیام جاودانه، الحیاء (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)، مکتب تفکیک، فریاد روزها، جهش‌ها، بیدارگران اقالیم قبله، امام در عینیت جامعه، هویت صنفی روحانی، حماسه غدیر، ادبیات و تعهد در اسلام، دانش مسلمین و حماسه مرزبانان جاوید از جمله آثار مکتوب حکیمی است.

دو اثر از این فیلسوف بیشتر در کانون توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته است؛ «الحیاء»

تا هنگامی که انسان در کوچه و انسانیت کتاب رها شده است من از قبول هر هدیه‌ای پرهیز دارم! این جان کلام محمدرضا حکیمی متفکر معاصر و اندیشمند مکتب تفکیک است که در پاسخ به اهدای جایزه فارابی به وی منتشر شده است. نام این اندیشمند اخیراً در جشنواره فارابی در کنار برخی استادان دیگر برای خدمت ۵۰ ساله به علوم انسانی مورد تجلیل قرار گرفته بود که او از پذیرش این عنوان و جایزه خودداری کرد. در پیام مربوط به انصراف او از دریافت جایزه ضمن سپاسگزاری از داوران آمده است، چون وی در جشنواره‌ها حضور نمی‌یابد در جشنواره اخیر نیز حضور نیافته و جایزه‌ای دریافت نکرده است. همان گونه که پیش تر هم یادآور شده‌ام، بار دیگر تأکید می‌کنم تا هنگامی که در جامعه ما فقر و محرومیت مرئی و نامرئی بیداد می‌کند، برگزاری چنین جشنواره‌هایی از نظر اینجانب در اولویت نیست. در این جشنواره از فاضلان و استادانی، به نام خدمت ۵۰ ساله به علوم انسانی تجلیل شده است. پرسش این است: آیا این علوم برای ثبت در کتاب‌ها و در دنیای ذهنیت است یا برای خدمت به انسان و حفظ حقوق انسان و پاسداری از کرامت انسان است؛ در واقعیت خارجی و عینیت؟ نصاب مقام انسان در معیشت و زندگی به منظور رشد متعالی، رسیدن به اقامه «قسط قرآنی» در حیات اقتصادی است (لیقوم الناس بالقسط) و برخوردار بودن انسان‌ها از حیثیت و کرامت و آزادی در حیات اجتماعی و سیاسی (ولقد کرّمنا بنی آدم). آری باید بگوئیم جامعه ما چنان نباشد که درباره‌اش بتوان گفت «از دو مفهوم انسان و انسانیت، اولی در کوچه‌ها سرگردان است و دومی در کتاب‌ها». محمدرضا حکیمی، نویسنده ایرانی که از وی با عناوینی چون «علامه»، «فیلسوف عدالت» نیز یاد می‌شود، از طرفداران سرسخت و علاقه‌مندان جدی مکتب تفکیک شمرده می‌شود. همچنین دکتر علی شریعتی وی را به عنوان وصی خود جهت هرگونه دخل و تصرف در آثارش انتخاب کرده است.

کیستی شخصیت حکیمی

محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۱۴ شمسی در مشهد زاده شد. پدرش مرحوم حاج عبدالوهاب حکیمی از مشرکان و محترمان بازار مشهد بود. استاد حکیمی در سال ۱۳۲۰ ابتدا راهی مکتب و سپس مدرسه شد و در سال ۱۳۲۶ به حوزه علمیه خراسان وارد شد و ۲۰ سال به علم اندوزی و خودسازی

زندگینامه امام خمینی(ره) به چاپ سی‌وهفتم رسید



تولید شده درباره ایشان مورد استفاده قرار گیرد (از جمله در فیلم‌های سینمایی صنوبر، فرزند صبح، سریال مستند سیره روح‌الله تولید شده توسط شبکه تلویزیونی "المنار" لبنان و بسیاری از سریال‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی صدا و سیما).

(و معرفی فهرست جامع تألیفات و آثار امام خمینی(ره): از دیگر ویژگی‌های کتاب حدیث بیداری، توفیق نویسنده در تحقیق و ارائه فهرستی جامع از اطلاعات شناسنامه‌ای (عنوان اثر و موضوع، مجلدات، تاریخ تألیف و انتشار و ناشر) در مورد تمامی تألیفات، جزوات و رساله‌های علمی و آثار سیاسی و اجتماعی امام خمینی است.

(ز معرفی اصول بنیادین اندیشه امام خمینی(ره): علاوه بر بیان حوادث زندگی امام و ابعاد علمی و مبارزاتی و رهبری ایشان، ۳۶ صفحه از این اثر جامع و مختصر به تبیین خطوط کلی اندیشه امام خمینی (ره) با تکیه بر فرازهایی روشن از نصوص امام در موضوع‌های مختلف از مبانی اعتقادی تا مسائل تربیتی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی معرفی شده است. در فصل پایانی کتاب نیز در عین اختصار به ترسیم جلوه‌هایی از عمق ارادت پیروان امام در جریان بیماری امام و صحنه‌های پرشکوه وداع امت با امام و انتقال میراث گرانبهای ایشان یعنی رهبری نظام دینی به خلف شایسته امام در ۱۴ خرداد پرداخته شده است.

(ح) توفیق اثر در مسابقات فرهنگی: علاوه بر احراز رتبه برترین کتاب ۲۵ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۲ ویژگی‌های کتاب "حدیث بیداری" سبب شده است، بهره‌برداری از مطالب آن برای استمرار پیوند ذهنی نسل اول و دوم انقلاب با امام و آشنایی نسل جدید، مورد توجه مراکز فرهنگی و انتشاراتی مختلف قرار گیرد. علاوه بر ترجمه کتاب به زبان‌های معتبر و انتشار گسترده آن در خارج کشور، این کتاب و مطالب آن از زمان انتشار تاکنون موضوع بسیاری از مسابقات سراسری و صنفی دانشجویی، دانش‌آموزی، راهیان نور، بسیج و نیروهای مسلح، خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران و دیگر اقشار بوده است و در سال گذشته در مسابقه طرح اندیشه جاوید در حوزه‌های علمیه سراسر کشور در موضوع آشنایی با زندگی و اندیشه امام، این کتاب از سوی عضو دفتر مقام معظم رهبری در حوزه علمیه قم به عنوان متن موضوع مسابقه معرفی و مسابقه سراسری آن

نویسنده با اعتقاد عمیق به درستی و حجیت مواضع امام خمینی(ره) در قبال جریان‌ات و حوادث سیاسی دوران مبارزه، ماهیت رژیم سلطنتی، عوامل پیروزی انقلاب، تبارشناسی احزاب و گروه‌های سیاسی، جنگ تحمیلی، نظام سلطه جهانی و وقایع جهان اسلام، حوادث دو سال آخر عمر امام، ماجرای عزل قائم‌مقام رهبری، نقش روحانیت و سایر اقشار، صرفاً براساس دیدگاه امام خمینی و با استناد به مواضع ایشان به بیان این امور پرداخته است. واقع‌گویی و مستندنویسی با تأکید بر درستی تحلیل امام از وقایع نهضت، در سراسر مطالب این اثر به چشم می‌خورد.

(ج) دقیق و مستند بودن مطالب اثر: یکی از دلایل توفیق انتشار کتاب حدیث بیداری در جذب مخاطبان در داخل و خارج کشور دقت فراوان نویسنده در تدوین تاریخ‌ها، اسامی، سیر تاریخی وقایع نهضت، برشماری تألیفات و آثار علمی و اجتماعی امام و حوادث زندگی ایشان است. نویسنده با سابقه همکاری ممتد با دفتر امام خمینی(ره) و مشارکت در تأسیس مؤسسه نشر آثار امام و مدیریت این مؤسسه و دسترسی به منابع دست اول کوشیده است حوادث دوران زندگی ایشان را بر مبنای شواهد و اطلاعات متقن ارائه کند. مطالعه دقیق کتاب و تأیید مطالب آن قبل از انتشار، توسط یادگار امام(رحمه‌الله علیهما) که از سوی امام منصوب به نظارت بر انتشار زندگینامه و آثار امام بوده است و انتشار آن از سوی مرجع رسمی و قانونی ناظر بر مطالب متناسب به حضرت امام بر سندیت این اثر افزوده است. به همین دلیل، این اثر به عنوان مأخذ و منبع معتبر در ۲۰ سال گذشته مورد استفاده و ارجاع گسترده پژوهشگران و مورخان تاریخ انقلاب و زندگی امام قرار گرفته است.

(د) فرم و شکل مناسب و مصور بودن اثر: قطع خوشدست پالتویی، صفحه آرای مناسب، مصورسازی اثر با استفاده از عکس‌های امام و رجال و عناصر مؤثر در نهضت و استفاده از تصاویر مناسب با مطلب در بیشتر صفحات و دقت در چاپ بدون غلط مطالب و تصویر رنگی رو و پشت جلد بر جاذبه‌های بصری این اثر افزوده است.

(ه) قلم شیوا و شبه داستانی اثر: شیوایی نگارش سیر زندگی امام از تولد تا رحلت در عین تحفظ کامل بر صحت و سندیت مطالب آن، سبب شده است این اثر در تهیه فیلمنامه و محتوای بسیاری از فیلم‌های مستند و داستانی

کتاب "حدیث بیداری" (زندگینامه علمی و سیاسی امام خمینی(ره) از تولد تا رحلت)، به قلم دکتر حمید انصاری از سوی انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، مؤسسه نشر عروج، ریزنی‌های فرهنگی و نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات انتشاراتی مختلف در داخل و خارج کشور منتشر شده است، به چاپ سی‌وهفتم رسید.

چاپ نخست این کتاب به زبان فارسی در سال ۱۳۷۳ انتشار یافت. و افزون بر نوبت‌های چاپ رسمی، این اثر در مناسبت صدمین سالگرد تولد حضرت امام(ره) و دیگر مناسبت‌ها از سوی نهادهای و مراکز فرهنگی در تیراژه‌های وسیع بارها منتشر شده است.

به دلیل ویژگی‌های این اثر در پی نیازها و تقاضای علاقه‌مندان به امام(ره) در خارج کشور، توسط مؤسسات انتشاراتی مختلف در خارج، ریزنی‌های فرهنگی و نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی و معاونت بین‌الملل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) به زبان‌های مختلف ترجمه و در برخی از زبان‌ها همانند عربی، انگلیسی، فرانسه و اردو در نوبت‌های متعدد تجدید چاپ شده است. این کتاب تاکنون به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو، آلمانی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی، ترکی آذری، ترکی استانبولی، قرقیزی، روسی، بنگالی، تاملیلی، پشتو، مالی، سواحیلی، هوسایی، بوسنیایی، صربی، چینی، ژاپنی، آلبانیایی و کردی ترجمه شده و مورد استقبال اقشار مختلف قرار گرفته است.

(الف) جامعیت توأم با اختصار: در این اثر تمامی فرازهای مهم زندگی امام خمینی(ره) از شرایط اجتماعی ایران در آستانه تولد امام گرفته تا تولد و دوران کودکی و تحصیل و مراتب علمی و مرجعیت امام و قیام و مبارزات امام خمینی و رهبری انقلاب اسلامی و حوادث مهم آن، قبل و بعد از پیروزی تا لحظه رحلت امام با جامعیت توأم با اختصار بیان شده است. هدف اصلی تألیف این کتاب تأمین نیاز پژوهشگران خارجی و معرفی امام خمینی(ره) و شخصیت و اندیشه زندگی ایشان به نسل جوان کشور (به‌ویژه پس از رحلت امام) در مجموعه‌ای مستند، مختصر و جامع بوده است.

(ب) تبیین رخداد‌های تاریخ معاصر ایران از منظر امام خمینی(ره): یکی از آفت‌های شرح حال نویسی و زندگینامه‌ها، تحلیل وقایع از منظر نویسندگان با گرایش‌های مختلف است. از مزایای کتاب حدیث بیداری آن است که

در حیات خلوت صدام

واقعه عظیم عاشورا و شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران آن حضرت به دست بنی‌امیه در کربلا رخ داد و از آن زمان به بعد تا آغاز حکومت بنی‌عباس، عراق همواره در تب و تاب جنبش‌های ضد اموی روزگار سپری کرد.

بنی‌عباس که از سال ۱۳۲ هجری قمری خلافت اسلامی را از چنگ بنی‌امیه خارج ساختند، عراق را بار دیگر به مقر حکمرانی تبدیل کردند و بغداد را مرکز حکومت خود قرار دادند. سقوط بنی‌عباس با سقوط بغداد به دست هلاکوخان مغول همراه شد هرچند که قبل از آن نیز این شهر به تسخیر آل بویه ایرانی درآمده بود و

از حاکمیت کورش و ایرانی‌ها، اسکندر و مقدونی‌ها و بار دیگر اشکانیان ایرانی که از شش قرن قبل از میلاد مسیح تا نیمه دوم قرن هفتم میلادی بر این سرزمین حکومت می‌کردند، عراق اندکی بعد از ظهور اسلام، ضمیمه قلمرو حکومت اسلامی شد.

در دوران اسلامی نیز عراق به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی - سیاسی همچنان عرصه منازعات قدرت‌مندان بود. در نیمه اول قرن اول هجری، کوفه مقر حکومت حضرت علی علیه‌السلام و در سال ۴۰ هجری قمری شاهد شهادت آن حضرت بود، در نیمه دوم همان قرن

تاریخ پرفراز و نشیب کشور عراق، این واقعیت را کاملاً نمایان می‌سازد.

کشور عراق با ۴۴۸۲۳۶ کیلومتر مربع وسعت، در کناره شمال غرب خلیج فارس قرار دارد. شرایط جغرافیایی این کشور عربی خاورمیانه‌ای با توجه به برخورداری از ذخایر نفتی عظیم، زمین حاصلخیز و آب فراوان موجب شده است در میان کشورهای جنوب غربی آسیا از موقعیت ممتازی برخوردار باشد.

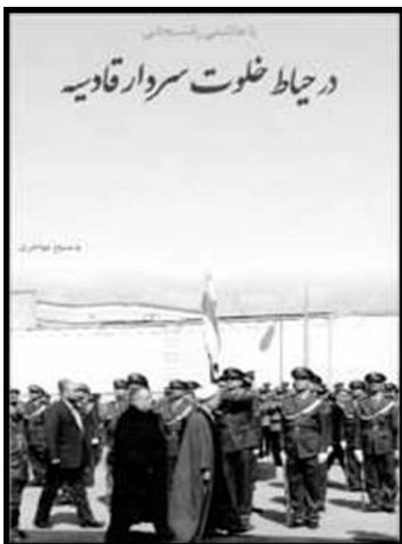
همین موقعیت، سرگذشت سیاسی پرفراز و نشیبی را برای عراق رقم زد که مانع رشد اقتصادی و شکوفایی اجتماعی این کشور و مردم آن، گذشته

به تازگی کتاب "هاشمی رفسنجانی در حیات خلوت سردار قادسیه" به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری به همت انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شده است. این کتاب، در واقع، خاطرات نگارنده از سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عراق است، سفری که در اسفند ۱۳۸۷ انجام شد و آثار بسیار مهمی در روابط دو کشور بر جای گذاشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهاجری در مقدمه این کتاب نوشته است: "روابط دو کشور ایران و عراق در طول تاریخ، همواره با حوادث و موانع مهمی مواجه بوده است. نگاهی اجمالی به

معرفی کتاب

۱۴ - نیمه اول دی ماه - شماره ۱۸



از دیگر بخش‌های خواندنی این کتاب می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: نگاه جلال طالبانی به منافقین، دیدار و گفت‌وگو با آیت‌الله العظمی سیستانی، با مراجع نجف، در بیت بحرالعلوم، دعای کمیل در حرم علوی، سخنرانی در جمع نجیبان نجف، بررسی مسائل مربوط به بازسازی عتبات، ارزیابی مسئولان عراقی و ایرانی و تصویری از این سفر.

کتاب با هاشمی فسنجانی در حیات خلوت سردار قادیسیه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با بهای ۲۵۰۰ تومان منتشر شده است.

سقوط صدام و در نهایت به تشکیل دولت توسط نیروهای انقلابی عراق منجر شد، زمینه را برای حل مشکلات موجود در روابط تهران و بغداد فراهم کرد و مناسبات دو کشور ایران و عراق را به حالت عادی برگرداند.

این رویداد مهم موجب افزایش چشمگیر سفرهای زائران ایرانی و عراقی عتبات به دو کشور شد. مسئولان دولتی عراق نیز در سال‌های اخیر به دلیل علاقه‌ای که به ایران در زمان حضورشان در این کشور در دوران مبارزه با صدام پیدا کرده بودند و نظام جمهوری اسلامی را حامی خود می‌دانستند همواره به تهران سفر می‌کردند.

در این سفرها مقامات ارشد عراقی به ویژه رئیس جمهوری جلال طالبانی و حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالعزیز حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، بارها از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، که از مهمترین حامیان معارضان عراقی در دوران مبارزاتشان علیه صدام و حزب بعث بود، برای سفر به عراق دعوت کردند.

این سفر سرانجام از ۱۲ تا ۱۷ اسفند ۱۳۸۷ انجام شد و آثار بسیار مهمی در روابط دو کشور ایران و عراق بر جای گذاشت...

کتاب حاضر، همچنین در بردارنده متن نامه‌های صدام به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران درباره چگونگی حل مشکلات باقی‌مانده از جنگ تحمیلی و پاسخ‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به این نامه‌ها است.

دشمنی‌های صدام علیه جمهوری اسلامی ایران و سرکوب مردم عراق حامی او بود، به تدریج احساس کرد تاریخ مصرف این مهره دست‌نشانده به پایان رسیده و برای آنکه عراق را به عنوان یک پایگاه مهم در منطقه حفظ کند باید به منظور کنار گذاشتن صدام و تعیین جایگزین مناسب، اقدام نماید.

این دومین بار بود که عراق در قرن حاضر به اشغال نظامیان غربی درمی‌آمد هر چند انگلیس، که در آغاز قرن حاضر عراق را اشغال کرده بود، اینبار نیز شریک اصلی آمریکا در دومین اشغالگری بود. روابط ایران و عراق، که در جریان جنگ تحمیلی از نیمه سال ۱۳۵۹ قطع شده بود، بعد از پایان این جنگ، در مرداد ۱۳۶۷، به تدریج رو به بهبود گذاشت. نامه‌هایی که صدام حسین، رئیس جمهوری وقت عراق و آغازکننده جنگ، در مقطع بعد از پذیرفته شدن قطعنامه ۵۹۸ به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران نوشت و پاسخ‌هایی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به این نامه‌ها دادند، بخشی از فرآیند بازسازی رابطه میان تهران و بغداد را شامل می‌شود.

آزادی و تبادل اسرای جنگی دو کشور، رفت و آمدهای سیاسی محدود مسئولان رده‌های میانی عراق و ایران به تهران و بغداد و سرانجام آغاز سفرهای زیارتی ایرانیان به عتبات عالیات عراق، هر چند به عادی شدن روابط دو کشور کمک کرد اما همچنان مشکلات زیادی بر سر این راه وجود داشت. اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس که به

خلفای عباسی که در ظاهر حکمت می‌کردند چیزی جز مقامات تشریفاتی نبودند.

طوفان‌های سیاسی، در دوران سلطه عثمانی‌ها بر عراق (قرن‌های ۱۰ تا ۱۳ هجری) نیز ادامه یافت و بعد از فروپاشی خلافت عثمانی، عراق مستعمره انگلیس شد. قیام مردم عراق علیه استعمار انگلیس در اوایل قرن حاضر منجر به تشکیل حکومت‌های انقلابی کوتاه مدت و سرکوب شدن آنها توسط انگلیس‌ها گردید و بعد از پایان رسمی استعمار انگلیس و اعلام استقلال عراق در سال ۱۳۱۱ بار دیگر عراق به صحنه نبردهای خونین قدرت تبدیل شد و کودتاهای پیاپی فرصتی برای بالندگی مردم این کشور در شرایطی که جهان، به سرعت در حال پیشرفت بود باقی نگذاشت. آخرین کودتا توسط حزب بعث صورت گرفت که با در دست گرفتن قدرت توسط صدام حسین در سال ۱۳۵۷ تکمیل شد و از آن زمان تا فروردین ۱۳۸۲ به مدت ۲۵ سال کشور عراق شاهد کشتارهای شدید مبارزان شیعه، سنی و کرد توسط حاکمیت مستبدی بود که از حمایت قدرت‌های استعماری جهان اعم از شرقی و غربی برخوردار بود. در این سال‌ها رژیم صدام، علاوه بر کشتار مردم عراق و ایجاد اختناق در کشور، دو جنگ نیز علیه ایران و کویت به راه انداخت که هر دوی آنها موجب تحلیل رفتن هر چه بیشتر توان عراق شدند. اوجگیری مبارزات ضد دولتی در داخل عراق و مشکلاتی که صدام در مناسبات با همسایگان خود ایجاد کرده بود موجب شدند آمریکا، که در

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی



گردید. این اثر معرفی ریشه‌ها و منشأ حوادث اخیر و این شایعه را ترسیم می‌نماید.

حزب الله لبنان



این اثر از مجموعه دانستنی‌های انقلاب برای جوانان می‌باشد که حزب الله لبنان را از بدو تأسیس تا حال ترسیم می‌نماید.



وقایعی را دربرداشت که از هر لحاظ شایسته دقت و توجه است. وقایع فردای روز انتخابات و اعتراض بی‌رویه و شبهه افکنی در نتیجه و نحوه برگزاری انتخابات باعث شکل‌گیری جو تشنج در جامعه شد که از نخستین ساعات پس از اعلام نتایج شروع و مدتی تداوم داشت. لذا این اثر جهت شناساندن بهتر ماهیت جریان‌ها و حرکات و اغتشاشات اخیر را ترسیم می‌نماید.

تقلب بزرگ

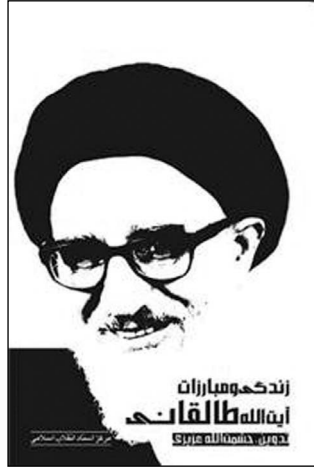
در تمامی انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره سلامت انتخابات از سوی رسانه‌ها و بعضی کشورهای غربی و برخی مخالفان داخلی مورد تشکیک قرار می‌گرفت، ولی از شامگاه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ شایعه تقلب در انتخابات و به تبع آن درخواست ابطال انتخابات به نحو وسیعی از طرف بازماندگان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری مطرح



تعادلی است که باید روابط بین مطبوعات و حکومت را به نحوی تنظیم نماید تا مطبوعات نتوانند با تکیه بر اهرم آزادی و بیان مغرضانه به حریم دولت تجاوز کنند و حکومت نیز قادر نباشد با کار بستن زور مطبوعات را از حقوق خود محروم نماید. در این میان چگونگی تنظیم و تصویب قوانین مطبوعات حائز اهمیت است. جانبداری و یکسویه نگری به نفع مطبوعات یا حکومت در مقررات قانونی آفتی است بس عظیم که علاوه بر مطبوعات و حکومت، تمام جامعه را دربرخواهد گرفت. هدف این تحقیق آن است که روند شکل‌گیری (تصویب) و لغو قوانین مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تاکنون را با تکیه بر اوضاع و احوال سیاسی و تاریخی بررسی نماید.

شنبه پس از انتخابات

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی

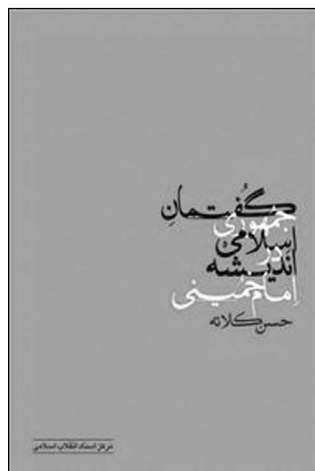


انقلاب، آیت الله طالقانی دارای ویژگی‌های خاصی است. ایشان از پیشگامان و از باسابقه‌ترین مبارزان روحانی علیه رژیم پهلوی بود که در سال‌های آخر سلطنت رضا شاه عملاً وارد مبارزه شد. امتیاز دوم طالقانی این بود که از چنان شخصیت و منزلت و جایگاهی برخوردار بود که همواره فراتر از احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی عمل می‌کرد و این سلوک و منش وی نشانی از شرح صدر و وسعت مشرب سیاسی و ایمانی او بود. طالقانی در طول چهل سال مبارزه و مجاهدت که بیش از یازده سال آن را در زندان و تبعید سپری کرد، همواره پیشرو، هدایتگر و توازن بخش نیروهای انقلابی بود. این کتاب به بررسی ابعاد مختلف زندگانی و مبارزات آیت الله طالقانی می‌پردازد.

سیر تحول قوانین مطبوعات در ایران

قوانین مطبوعات به منزله وزنه

گفتمان "جمهوری اسلامی" در اندیشه امام خمینی



تلاش برای تبیین گفتمان جمهوری اسلامی نه تنها عصری جدید در حوزه بررسی اندیشه سیاسی تشیع است، بلکه از جمهوری، الگویی با تعاریف و ابعاد مشخص اسلامی عرضه می‌کند. در اندیشه امام (ره)، قوانین اسلامی بهترین دلیل و ضرورت برای تشکیل حکومت و دخالت دین در عرصه سیاست است؛ بنابراین هدف اولیه از حکومت، اجرای قوانین اسلامی است. اما در این سازوکار، توجه به رضایت مردم و مقبولیت حکومت از نظر آنان جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه از طریق مراجعه به آرای مردم و نظرخواهی از آنان درباره نهادها و سازمان‌های حکومتی به دست می‌آید.

زندگی و مبارزات آیت الله طالقانی

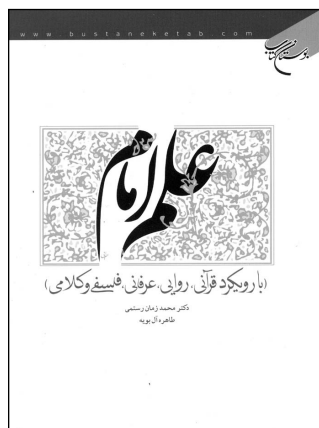
در میان رهبران روحانی و سیاسی

معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب

مصباح الهدی فی اصول دین
المصطفی

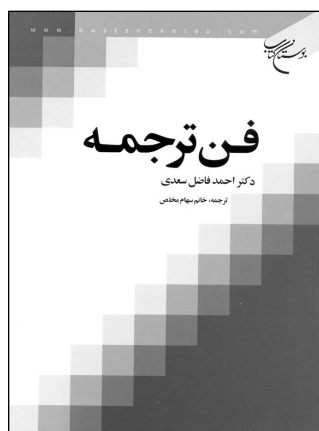
المؤلف: السيد محسن الحسيني الجلالی
ترجمه: السيد قاسم الحسيني الجلالی
الکمیة: ۱۲۰۰
السعر: ۷۰۰۰ تومان

علم امام (با رویکرد قرآنی،
روایی، عرفانی، فلسفی و کلامی)



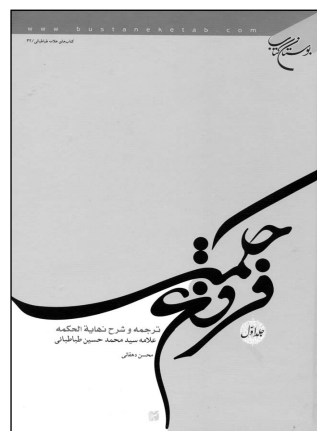
نویسنده: دکتر محمد زمان رستمی و
طاهره آل بویه
شمارگان: ۱۰۰۰
بها: ۷۰۰۰ تومان

فن ترجمه

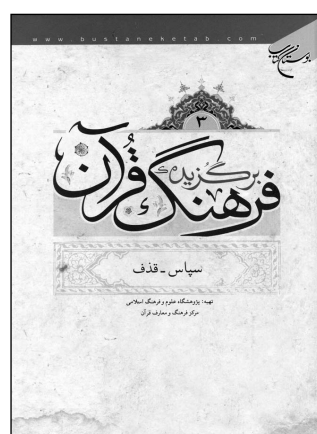


نویسنده: دکتر احمد فاضل سعدی
مترجم: سهام مخلص
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۵۰۰ تومان
فروغ حکمت / جلد اول (ترجمه و
شرح نهاییه الحکمه علامه سید
محمد حسین طباطبائی)

نویسنده: محسن دهقانی
شمارگان: ۱۵۰۰



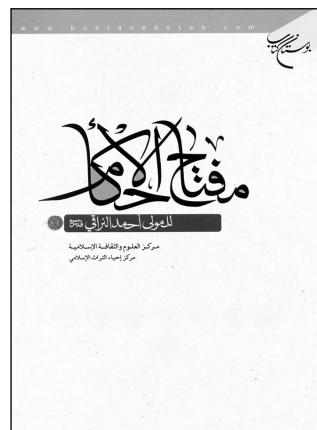
بها: ۱۵۰۰۰ تومان
برگزیده فرهنگ قرآن / جلد سوم



تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی / مرکز فرهنگ و معارف قرآن
شمارگان: ۳۰۰۰
بها: ۹۸۰۰ تومان
تفسیر خلاصه منهج الصادقین /
جلد اول (فاتحه الكتاب - انعام)

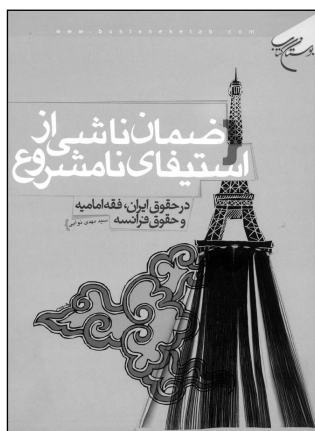
نویسنده: مولی فتح الله کاشانی رحمه الله
تحقیق: آیت الله حسن حسن زاده
آملی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۳۰۰۰ تومان

مفتاح الأحكام



المؤلف: مولی أحمد النراقی
التحقیق: مرکز العلوم و الثقافة
الاسلامیه، مرکز احیاء التراث
الاسلامی
الکمیة: ۱۲۰۰
السعر: ۳۵۰۰ تومان

ضمن ناشی از استیفای
نامشروع در حقوق ایران، فقه
امامیه و حقوق فرانسه

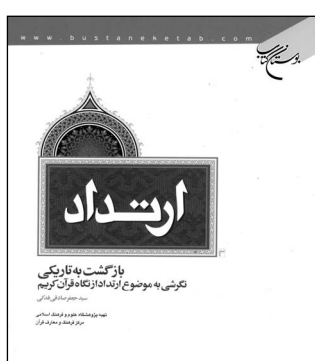


نویسنده: سید مهدی نوابی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۵۷۰۰ تومان



حکمت های او در روایات فریقین
نویسنده: دکتر عبدالله موحدی محب
(عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان)
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۹۸۰۰ تومان

ارتداد؛ بازگشت به تاریکی
نگرشی به موضوع ارتداد از نگاه

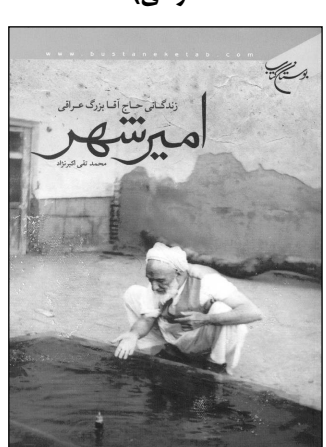


قرآن کریم
نویسنده: سید جعفر صادقی فدکی

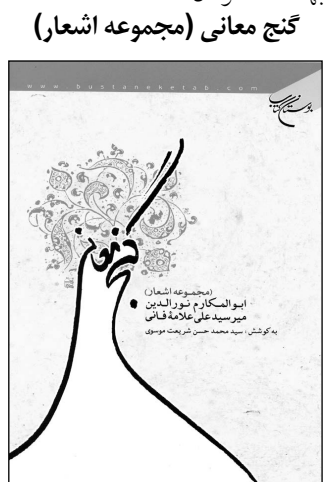


تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۷۷۰۰ تومان

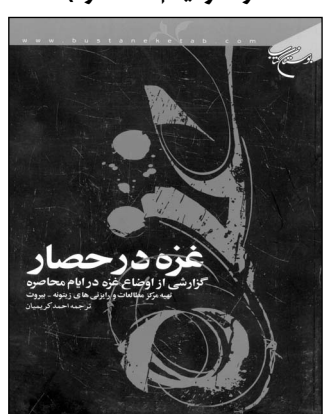
جهان تاریک
نویسنده: حمید کریمی استادیار
دانشگاه علم و صنعت ایران
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۳۶۰۰ تومان



نویسنده: محمدتقی اکبرنژاد
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۳۹۰۰ تومان



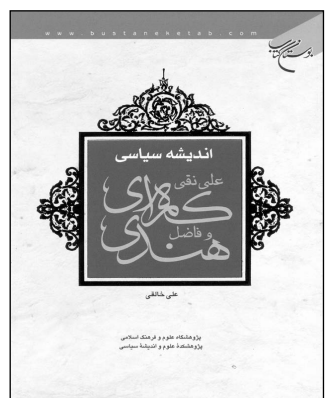
نویسنده: ابوالکارم نورالدین میر سید
علی علامه فانی
به کوشش: سید محمد حسن شریعت
موسوی
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۵۲۰۰ تومان



غزه در حصار (گزارشی از اوضاع
غزه در ایام محاصره)

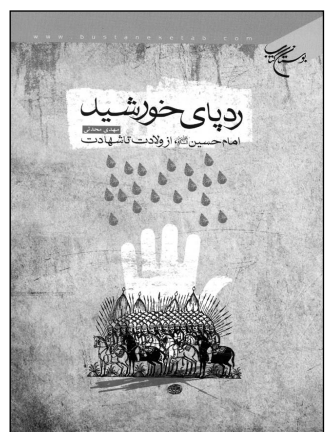
زیتونه - بیروت
ترجمه: احمد کریمیان
شمارگان: ۲۰۰۰
بها: ۲۶۰۰ تومان

اندیشه سیاسی علی نقی
کمره‌ای و فاضل هندی



نویسنده: علی خالقی
تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی / پژوهشکده علوم و اندیشه
سیاسی
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۳۳۰۰ تومان

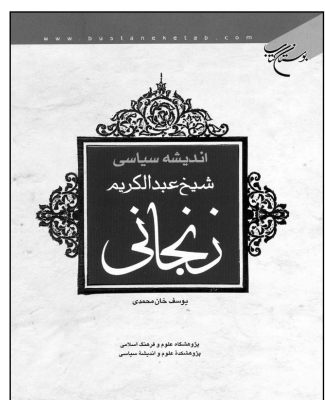
رد پای خورشید امام حسین علیه
السلام از ولادت تا شهادت



نویسنده: مهدی محدثی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۳۰۰۰ تومان

اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم
زنجانی

نویسنده: یوسف خان محمدی



تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی / پژوهشکده علوم و اندیشه
سیاسی
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۴۷۰۰ تومان

زندگینامه رهبران حزب الله

اشاره: هفتمین اجلاس سالانه حزب الله برگزار شد و پس از گذشت ۲۴ سال از صدور اولین بیانیه سیاسی حزب الله سیدحسن نصرالله دبیر کل این حزب بار دیگر دیدگاه این حزب و رویکرد سیاسی آن را تبیین کرد. ناظرین سیاسی اعلام دومین سند سیاسی حزب الله را سرفصل تازه ای در تاریخ حزب الله دانستند چرا که از متن سیاسی حزب الله به خوبی روشن است که واقعیت های لبنان جدا از تحولات جاری منطقه نیست و حزب الله نیز بخشی از محور منطقه ای شامل کشورها و ملت هایی است که از سلطه جویی آمریکا زیان دیده اند. از سوی دیگر، دیدگاه ها و مواضع حزب الله هیچ تعارضی با پای بندی این حزب به ساختار دولت لبنان ندارد. این سند مرجع فشرده برای همگان است و در آن مواضع حزب الله درباره مفاهیمی مانند مقاومت، ساختار دولت، قضیه فلسطین و روابط خارجی لبنان به ویژه با ایران تبیین شده است. این سند سیاسی همچنین بیانگر روند پیشرفت حزب الله با تحولات جهان معاصر است. در اجلاس سالانه حزب الله سیدحسن نصرالله برای ششمین بار به عنوان دبیر کل حزب الله تعیین شد. شیخ نعیم قاسم معاون وی، سیدهاشم صفی الدین رئیس شورای اجرایی، شیخ محمد یزیدک رئیس هیئت دینی، سیدابراهیم امین السید رئیس شورای سیاسی، حسین الخلیل معاون سیاسی دبیر کل و محمود رعد نماینده پارلمان برای اولین بار به عنوان رئیس فراکسیون طرفدار مقاومت به عنوان اعضای شورای تصمیم گیری انتخاب شدند. در مطلب زیر خلاصه ای از زندگی هر یک از اعضای شورای تصمیم گیری حزب الله ارائه شده است که پیش روی شماست.

منبع: پرس تی وی

گوش دهد به طوری که فکر کنند دیدگاه های وی را پذیرفته ولی به ناگاه با شنیدن پاسخ های وی نا امید می شوند. وی هیچ اصراری برای حاضر شدن در رسانه هان ندارد و ممکن است برای مدت ها غایب باشد؛ ولی وقتی روی صحنه می آید، همواره کوبنده بوده است.

سیدهاشم صفی الدین



خیلی ها او را بعد از سیدحسن نصرالله نفر دوم حزب الله می دانند. وی ویژگی های مشترک زیادی با دبیر کل حزب الله داشته و روابط صمیمی با افراد مقاومت و مسئولان از رده بالا گرفته تا آنها که در میدان کار فعال هستند دارد.

بیش از ۴۰ سال سن دارد و مسئول شورای اجرایی حزب الله است که قوه مجریه حزب به حساب می آید و تمام مؤسسات پشتیبانی و مردمی حزب الله را اداره می کند.

وی همواره در میان افراد حزب الله است. به همین جهت از محبوبیت بالایی در میان آنها برخوردار است. ویژگی های فردی سیدهاشم صفی الدین به او این امکان را می دهد که شخصیت متحرکی در میدان عمل حزب الله باشد؛ ولی از آنجا که اسرائیل همواره در کمین وی بوده است، مجبور است مسائل امنیتی را رعایت کرده و کم تر در میان مردم ظاهر شود.

دولت از خود نشان داد. سوریه در آن موقع از لبنان عقب نشینی کرده بود؛ اما با آغاز جنگ دوم اسرائیل علیه لبنان، وضعیت خیلی تغییر کرد و حزب الله به رهبری سیدحسن نصرالله، پیروز جنگ و قدرت اول صحنه داخلی کشور شد. تنش های داخلی به صورت کنترل شده ای ادامه یافت تا اینکه دولت فؤاد سینیوره، دو آیین نامه تصویب کرد که کودتای علیه مقاومت به حساب آمد و حزب الله در صدد دفاع برآمد و حوادث هفت ۲۰۰۸ شروع شد که به دنبال آن حزب الله، طرفداران مسلح دولت را از مراکزشان در غرب بیروت و در جبل لبنان طرد کرد. در سال ۲۰۰۶ حزب الله توانست رابطه ای بسیار قوی با جناحی از مسیحیان لبنان ایجاد کند که بعدها جریان ملی آزاد را به رهبری ژنرال میشل عون تأسیس کردند و معاهده ای بین این دو امضا شد که به نوعی وحدت بین شیعیان و مسیحیان لبنان ایجاد کرد و زمینه ساز مرحله جدیدی در لبنان گشت.

شیخ نعیم قاسم



وی دارای تحصیلات دینی در حوزه بوده و مراحل پیشرفته دروس حوزوی را نزد استادان عالی رتبه حوزه آموخته است. همزمان وی در دانشگاه لبنان، درس شیمی نیز خوانده است. همانند بسیاری از مسئولان قدیمی حزب الله، ابتدا در زمانی که امام موسی صدر رهبر جنبش امل بود، عضو این جنبش بود؛ ولی در سال ۱۹۸۲ از آن جدا شده و به همراه سایر همکاران معلمش در اتحادیه لبنانی دانشجویان مسلمان، در تأسیس حزب الله نقش مهمی را ایفا کردند. شیخ نعیم قاسم در زمان سیدعباس موسوی معاون دبیر کل حزب الله شد و از آن زمان تاکنون این مسئولیت را برای خود نگه داشته است، البته در یک دوره نماینده پارلمان نیز شد.

کتاب وی در مورد حزب الله، مرجع اساسی و مهمی است برای همه کسانی که می خواهند در مورد حزب الله و تاریخچه آن مطالعه و تحقیق کنند. مشهور است که شیخ نعیم قاسم همواره ویژگی خاص خود را حفظ کرده و دیدگاه های خود را به صورت تسلسل منطقی ارائه داده و شخصیت محکمی دارد به نحوی که ممکن است ساعت ها به مخاطب خود

سیدحسن نصرالله



سیدحسن نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ در محله فقیر نشین نبعه به دنیا آمد. مبارزه با اشغالگران همزمان با ورود وی به صحنه مقاومت صحنه جدیدی از زندگی را به روی وی باز کرد. وی در خانواده ای مذهبی بزرگ شده و در کودکی در مغازه سبزی فروشی پدرش به وی کمک می کرد و رفتن به مسجد محله باعث شد که وی با اسلام آشنا شود.

در ایام نوجوانی جذب جنبش امل شد که تازه تأسیس شده بود و سپس با پیدایش حزب الله به آن پیوست، سیدحسن نصرالله زمانی که حزب الله در سایه و تاریکی فعالیت می کرد کم کم پله های ترقی را طی کرد و تحصیلات خود را که در عراق شروع کرده بود در ایران و لبنان ادامه داد. درگیری های بین حزب الله و جنبش امل در سال ۱۹۸۶ او را مجبور کرد که به جنوب لبنان بازگردد. دقیقاً یک سال بعد شورای حزب الله او را در رأس شورای اجرایی حزب الله گذاشت. در آن زمان ارتباط تنگاتنگی با مبارزان داشت. که در بلندی های اقلیم التفاح توسط همه گروه های لبنانی و غیر لبنانی محاصره شده بودند. بعد از مدتی پیشنهاد داده شد که به جای شیخ صبحی طفیلی دبیر کلی حزب الله را برعهده بگیرد؛ ولی وی به این امر رضایت نداد تا اینکه سیدعباس موسوی در سال ۱۹۹۲ به شهادت رسید و وی به دبیر کلی حزب الله انتخاب شد.

در دوره وی، مقاومت از حالت مبارزات پراکنده به جبهه ای متحد تبدیل شده و توانسته بود معادله وحشت خاصی را بر دشمن تحمیل کند. به دنبال عملیات های پی درپی، مقاومت توانست بخش اعظم سرزمین های اشغال شده لبنان را در سال ۲۰۰۰ آزاد کرده و تعداد زیادی از اسیران خود را از زندان های اسرائیل آزاد کند؛ ولی در این میان هادی فرزند دبیر کل حزب الله در سال ۱۹۹۷ در یکی از درگیری ها به شهادت می رسد.

در بحران داخلی بعد از ترور رفیق حریری، حزب الله سیاست بسیار دقیق و حساب شده ای در تعامل با جناح طرفدار

ولی اصلاناز روستای جبایع در جنوب لبنان و در اقلیم التفاح است. تواضع و سادگی وی باعث می شود که طرف وی در دیدارهایش فراموش کند که با چه کسی روبرو است. وی شخصیتی فرهنگی و عضو اتحادیه لبنانی دانشجویان مسلمان بوده که در تأسیس حزب الله نقش مهمی داشته و قبل از فعالیت در حزب الله به معلمی اشتغال داشته و دارای مدرک فلسفه از دانشگاه لبنان است. توانایی های وی زمینه رشد وی را در پلکان مسئولیت های حزب فراهم کرد و سپس نماینده پارلمان شده و در رأس فراکسیون قرار گرفت و قبل از آن رئیس شورای سیاسی بود و اکنون نیز برای اولین بار، عضو شورای تصمیم گیری شده است.

حسین الخلیل



یکی از نزدیک ترین افراد به سیدحسن نصرالله حاج حسین الخلیل است که سمت معاون سیاسی وی را داشته و در مراحل حساس به ویژه در زمان جنگ ۳۳ روزه مأموریت های سیاسی ویژه ای را انجام داده است. وی بیش از ۵۰ سال دارد و شخصیت بسیار رازداری است. کم حرف ولی تیزهوش بوده و خیلی زود متوجه مقصود طرف خود می شود. همواره آرام است مگر مواردی که بعد از جنگ ۲۰۰۶ فاش کرد و از حساسیت زیادی برخوردار بود. سید، اعتماد زیادی به وی دارد، به خصوص در پرونده های مهم داخلی و خارجی. وی رابط بین سیدحسن نصرالله و رفیق حریری بود و تا قبل از ترورش رفت و آمدهای زیادی باهم داشتند و اکنون نیز رابط سعدحریری باحزب الله است و ارتباط حزب الله باسوریه را وی تنظیم می کند. ارتباط بانیه بری، میشل عون و سلیمان فرنجه نیز از طریق وی صورت می گیرد. وی به عبارتی دیگر جعبه اسرار حزب الله و سیداست.

شیخ محمد یزیدک

شیخ محمد یزیدک، مواضع سیاسی و رسانه ای اندکی دارد؛ ولی هر از چند گاهی که موضعی را اعلام می کند، همواره رنگ و لعاب دینی به آن می دهد. وی یکی از مؤسسان حزب الله به حساب می آید. وی به عنوان رئیس شورای دینی، عضو شورای تصمیم گیری است؛ ولی بعلبکی ها می گویند تا کی باید وی تنها نماینده بقاعی ها در این شورا باشد.

سیدابراهیم امین السید



حزب الله برای سال ها به صورت زیرزمینی فعالیت می کرد و عملیات های خود را بدون هیچ ظهور رسانه ای دنبال می کرد. در این میان اولین کسی که بیانیه تأسیس حزب الله را در میان رسانه ها خواند، سیدابراهیم امین السید بود که در سال ۱۹۸۵ با خواندن نامه سرگشاده ای در مورد حزب الله، تأسیس آن را علنی کرد. حزب الله تا آن زمان مخفیانه فعالیت می کرد تا آنجا که خیلی از عملیات هایش به اسم دیگر احزاب و گروه ها تمام می شد و البته همین امر باعث شده بود که برای مدت ها دشمن متوجه آنها نشود و فکر کند که این فلسطینی ها هستند که در حال انجام عملیات هستند. تا اینکه سیدابراهیم در ۱۶ مارس ۸۵ در حسینیه شیباج در حومه جنوبی بیروت آن بیانیه مشهور را قرائت کرد. در آن زمان همه فکر می کردند که وی رهبر حزب الله است، در حالی که وی یکی از مؤسسان آن و سخنگوی این حزب بود. وی که عضو جنبش امل بود در زمان درگیری های حزب الله با جنبش امل، مواضع خصمانه ای علیه آنها اتخاذ کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۲ بعد از میثاق طائف و آغاز مرحله سیاسی جدیدی در لبنان به عنوان نماینده وارد پارلمان لبنان شد و ریاست فراکسیون حزب الله را بر عهده گرفت و در سال ۲۰۰۵ رئیس شورای سیاسی حزب الله شد.

محمد رعد



رئیس فراکسیون نمایندگان وابسته به حزب الله در پارلمان و شخصیتی خون گرم است. خوش اخلاقی وی باعث شده که ریاست فراکسیون حزب الله را بر عهده بگیرد و همین خوش اخلاقی وی باعث می شود حتی در اولین برخورد با وی که همه او را حاجی صدا می کنند، تمام نگرانی ها فرو بریزد. وی در سال ۱۹۵۵ در بیروت به دنیا آمد؛

بعث

نشریه مرکز بررسبهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسوول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر